

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نقدنامه

تاریخ، باستان‌شناسی و هنر

به کوشش:

دکتر صادق آئینه‌وند و سیمین مقیسه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

تهران ۱۳۹۰

شناسنامه کتاب

فهرست مطالب

پیشگفتار

- معرفی اجمالی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی (یادداشت دبیر شورا)..... ۱

مقدمه

- معرفی گروه تاریخ و باستان‌شناسی و هنر شورای بررسی متون و کتب علوم

انسانی (یادداشت رئیس گروه)..... ۱۵

نقد و بررسی کتب (فهرست عناوین کتب)

- «فلسفه تاریخ»..... ۲۱

- «امامت و سیاست (تاریخ خلفا)»..... ۲۵

- «جغرافیای تاریخی کوفه»..... ۲۹

- «تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ»..... ۳۳

- «تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار»..... ۳۷

- «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری»..... ۴۳

- «نخستین مسلمانان در اروپا»..... ۴۷

- «تاریخ بیداری ایرانیان»..... ۵۷

- «تاریخ اسلام کمبریج»..... ۶۵

- «منتخب النصوص التاريخية و الجغرافیه»..... ۶۹

- «تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران»..... ۷۳

- «پیام‌آور رحمت»..... ۷۷

- «تشیع»..... ۸۱

گزارش هم‌اندیشی استادان تاریخ، تاریخ تمدن و باستان‌شناسی..... ۸۷

فهرست داوران..... ۹۳

نمایه کتب و مؤلفین..... ۹۵

پیشگفتار

معرفی اجمالی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

(یادداشت دبیر شورا)

بسم الله الرحمن الرحيم

همراهی تفکر بشری با نقد نه یک نیاز تبعی که یک ضرورت انسانی است و از این رو قوه نقادی بالقوه انسان با نخستین قرارگیری دو عنصر اطلاعاتی در کنار یکدیگر (حتی در خام‌ترین صورت آن) آغاز به حرکتی فزاینده می‌کند که بهترین نشانه آن «پرسش» است؛ پرسش از نحوه جای‌گیری مواد اطلاعاتی و جابجایی داده‌ها و احیاناً لذت‌های ذهنی در قراردادن تصورات موزون و ناموزون متفاوت در کنار یکدیگر. اما نقد نه به عنوان یک خطاً کودکانه که شاید تا فلسفه خلقت نیز پیش رود!^۱

چنانچه حیات اندیشه‌ورزی را به نقد بدانیم، بدون تردید نقطه ثقل یک اندیشه متدیک و نظام‌مند نیز وابسته به مولفه نقد علمی است چرا که بدون آن نه تنها ساختار یک پژوهش علمی ناب شکل نمی‌گیرد که از سویی با نقادی، خلاقیت آن تضمین شده و از سوی دیگر به پویایی بایسته خود دست می‌یابد. پس اگر در حوزه علمی - فردی نقادی را از ویژگی‌های حتمی یک پژوهشگر بدانیم،^۲ در حوزه علمی - اجتماعی نیز می‌توان نقد اجتماعی^۳ را از نشانه‌های پویای یک جامعه آزاد اندیش قلمداد کرد.^۴ استدلال ورزی،

۱. اشاره به یادداشتی منتشر نشده از نگارنده در سال ۱۳۷۳ تحت عنوان «بشنوازی: نسبت فلسفه نقد و فلسفه خلقت».

۲. ر.ک: حسینی، سیدحسین، مقاله نقد و پژوهشگری، نشریه علمی تخصصی کرسی اندیشه، ستاد نهضت تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی، شماره ۹، مهر ۱۳۸۹، که در آن مقاله، نبوغ، پرشوری، جدیت، عمق، سلطه‌جویی و نقادی، از ویژگی‌های یک پژوهشگر قلمداد شده است.

۳. در خصوص مفهوم نقد اجتماعی (اما نه الزاماً با آنچه در متن مراد شده) و عناوینی چون نظریه نقد، فرهنگ نقد ببینید: والزر، مایکل، تفسیر و نقد اجتماعی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷.

۴. ر.ک: حسینی، سیدحسین، نهضت تولید علم، کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹ و ۱۴۵ و نیز مقاله نسبت آزاداندیشی و نقد اندیشی، نشریه علمی تخصصی کرسی اندیشه، ستاد نهضت تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی، شماره ۸، دی ۱۳۸۸، ص ۷۰

۴ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

گفتمان انتقادی، زبان دیالوگی، روش‌مندی، نظم منطقی، ادبیات تحقیقی و مسأله‌محوری، پاره‌ای از آن نشانه‌هاست^۵ که اندیشه‌اندیشمند و پژوهش‌پژوهشگر و نقادی منتقد را در مداخل فضای بایسته و شایسته خود قرار می‌دهد.

در چنین جایگاهی اگر نقد را در یک معنای کلی «تحلیل امتیازات و کاستی‌های یک دیدگاه»^۶ و در یک فراگرد دیگر و در معنا و مفهومی نزدیک‌تر «بررسی، تحلیل و ارزیابی علمی نقاط قوت و ضعف یک موضوع در ابعاد شکلی و محتوایی آن با توجه به معیارهای علمی مورد نظر» بدانیم^۷، آنگاه می‌توان در دو «سطح فرهنگ عمومی» و «فرهنگ علمی» از توسعه و ترویج آن در جامعه سخن گفت؛ یعنی هم در لایه‌های تودرتوی جامعه فرهنگی و نیز در دامنه‌های درهم تنیده جامعه علمی. چه این که در سطح نخست، سبب توجه عمیق به عمق مسایل اجتماعی، دوری از ظاهر بینی و سطحی نگری‌ها، و پرهیز از تظاهرگرایی و چاپلوسی‌هاست و در سطح دوم، اولاً می‌تواند عامل تولید علم باشد (چه این که بدون نقد دستاوردهای علمی پیشین، ابداع و تولید مکاتب و اندیشه‌های جدید علمی ممکن نیست) و ثانیاً بهترین نیروی محرک آزاداندیشی علمی محسوب می‌گردد چرا که نقد در برابر تقلید است و آزاداندیشی نیز بی‌تحقیق علمی راه به جایی ندارد و البته پژوهش علمی ناب با تقلید صرف و بدون نقد، ایستادن در مرز اندیشه است و نه راه بردن به دروازه‌های دانش.

با این همه، نقد علمی در زمانه‌ما نیازمند «اصول علمی» و «آداب اخلاقی» است و البته سزاوار است از این فراتر، به «منظومه نقد پژوهی» نیز بیان‌دیشیم. و در آن منظومه متکثر

۵. ر.ک: حسینی، سیدحسین، مقاله سامانه پژوهش، کتاب و نقد، خلاصه مقالات همایش تخصصی کتاب، پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، آذر ۱۳۸۸.

۶. ر.ک: حسینی، سیدحسین، مقاله نقد نقد، نشریه علمی تخصصی کرسی اندیشه، ستاد نهضت تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی، شماره ۷، آبان ۱۳۸۷، ص ۳۲

۷. ر.ک: CD کارگاه پژوهشی متد نقد کتب در حوزه علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، خرداد ۱۳۹۲.

و پیچیده باید به نقشه راهی دست یافت که بتوان ساختار پژوهش پیرامون نقد را به درستی و راستی ترسیم و تنظیم نمود. طرح مسایل و پرسش‌های بایسته در حوزه نقد، تحلیل و تبیین نسبت نقد با قلمرو تخصص‌ها و گرایش‌های گوناگون رشته‌های علوم انسانی، اولویت‌بندی و تقسیم‌بندی آنها، بخشی از کارستری است که هم اکنون پی‌ریزی پایه‌های آن در جامعه علمی ایرانی اسلامی ما، بردوش اندیشمندان علوم انسانی سنگینی می‌کند. نخستین انتظار از تنظیم چنین منشوری (که در واقع حکم ثبت یک نظام جامع نقد را دارد) آن است که نحوه قرارگیری یک رشته تخصصی علوم انسانی، یک واحد سازمانی دانشگاهی و یک پژوهشگر را در یک مرحله و در مرحله دیگر، نسبت کل رشته‌ها با یکدیگر (در تبادل و ترابط آنها) و نیز نسبت مراکز آموزشی و پژوهشی دانشگاهی، و همچنین نسبت اعضاء هیئت علمی و صاحب‌نظران را در یک مجموعه کلان، روشن خواهد کرد.

ترسیم چنین منظومه عظیمی مقدمه دو انقلاب علمی دیگر را فراهم می‌سازد؛ در آغاز می‌تواند زمینه‌ساز تحقق شبکه نقد علمی و اجتماعی شود؛ شبکه‌ای که سامانه نقد پژوهشی را در بستر جامعه علمی کشور پایه‌گذاری کند و در گام پسین، زمینه‌ساز تولید علوم جدید و نظریه‌پردازی‌های علمی و اجتماعی^۸ در قلمروهای گوناگون خواهد شد. گرچه نقد اندیشه و یا نقد یک اثر علمی (اعم از کتاب، مقاله، یادداشت علمی یا طرح پژوهشی) فی نفسه موضوعیت داشته و دارای بار علمی و ارزشی خود است و نبایستی صرفاً نقد را امری ابزارری و درجه دوم به حساب آورد اما جدای از این مقصود، در این گام نیز، نقد نظریه‌های موجود (اعم از ایرانی و غیر ایرانی و یا اسلامی و غیراسلامی) می‌تواند زمینه‌ای جهت نظریه‌پردازی‌های نوینی در حوزه بومی و اسلامی قرار گیرد.

۸. ر.ک: حسینی، سیدحسین، مقاله نظریه‌پردازی جمعی، همایش نظریه‌پژوهی، پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، دی ۱۳۸۹ و نیز: نهضت تولید علم، کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی، ص ۱۲۵.

۶ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

در این میان و به وزن مباحث نقد مضمونی در نقد آثار هنری، پرسشی بایسته است؛ که آیا باید همانند افرادی چون «ژرژپوله»، نقد را به غایت، شهودگرایانه دانست به نحوی که کمترین بها را به شکل و فرم دهیم یا این که شکل و محتوا را واقعیت‌های جدایی ناپذیر بدانیم؟ در نگاه پوله وی معتقد است برای نیل به هسته اندیشه یک اثر که مقدم بر هر ساخت و شکلی است، باید شکل و ساختارها را کنار زده تا به آن واقعیت انتزاعی مقدم و از پیش موجود غیرمادی دست یافت و لذا نقد وی به دنبال یکی شدن با این آگاهی درونی و شهودی است و درصدد است با پس زدن شکل‌ها و ساختارها، آگاهی آغازین و ناب نویسنده را از هستی درک کند.^۹

اگر این سخن در حوزه آثار هنری جای طرح داشته باشد، باید دید آیا در حوزه نقد اندیشه‌های علوم انسانی نیز (در همه جایگاهان آن) مسأله به همین صورت تحلیل می‌شود.

اولین نکته آن که با همه همدلی منتقد با جهان خالق یک اثر امکان دستیابی به آگاهی ناب و شهودی نویسنده اثر وجود دارد؟ اگر مسأله از سنخ شهود است که جهان شهودی هر فردی مختص خود و متفاوت با هر آن دیگری و البته غیرقابل دسترس خواهد بود. دومین این که در دایره نقد اندیشه در حوزه علوم انسانی، همدلی منتقد با مؤلف نه صرفاً برای رسیدن به حس ناب مشترک که به جهت فهم و درک درست نظام اندیشه‌ای و تفکرات یک اندیشمند است. سوم، همان‌گونه که احساس ناب با همه درجه خلوص اش مادام که صورت بیرونی نیابد قابل تشخیص نیست، به طریق اولی چنانچه تفکر انتزاعی ذهنی، شکل و شمایل سخن، کلام و گفتار عینی پیدا نکند، قابلیت مذاکره و گفتگوی علمی، نقد و بررسی، و سنجش و مقایسه صحت و سقم نخواهد یافت و لذا هر اندیشه‌ای باید صورت مکتوب علمی یافته و همراه با «شواهد و استدلال و تحلیل و بررسی» شود تا

۹. ر.ک: بابک معین، مرتضی، نقد مضمونی، آراء و اندیشه‌ها و روش‌شناسی ژرژپوله، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱ و ۵.

بتوان پیرامون راستی و ناراستی و درستی و نادرستی آن سخن گفت و به این منظور محتوای علمی یک اندیشه، محتاج شکل و صورت علمی می‌شود تا از زاویه این قالب بتوان به باطن آن محتوا نظاره کرد و ارزیابی دقیقی از آن ارائه داد. بنابراین در یک کلام، نقد محتوایی یک اندیشه با نقد شکلی آن همراه و عجین می‌گردد.

نه تنها براساس این منطق که به ضرورت کاربردهای علمی و عملی دیگر نیز در «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی»، نقد و تحلیل و بررسی کتب و متون علوم انسانی از دو زاویه شکلی و محتوایی مورد نظر قرار گرفته و به همین جهت برای داوری علمی پیرامون یک اثر، مؤلفه‌های گوناگونی در دو بُعد بیرونی - صوری - شکلی و نیز درونی - باطنی - محتوایی مطرح، و هر کتابی بر اساس این شاخصه‌ها به سپهر تحلیل علمی می‌افتد.

بر این بنیان «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» با در اختیار داشتن ۱۳ گروه تخصصی^{۱۰} در تمامی رشته‌ها و حوزه وسیع علوم انسانی، تنها مجموعه دانشگاهی و علمی پس از انقلاب شکوهمند اسلامی است که با قریب به ۱۸ سال سابقه فعالیت خود در زمینه بررسی، تحلیل، ارزیابی و نقد متون و کتب علوم انسانی و با مشارکت صاحب نظران و شبکه پویای استادان حوزوی و دانشگاهی سراسر کشور، همچنان پرشتاب، اما نجیبانه به فعالیت تعریف شده خود ادامه می‌دهد.

از جمله سیاست‌های اصلی این شورا کمک به رشد تفکر انتقادی در تولیدات علمی دانشگاهی بود و در آغاز فعالیت خود به این نتیجه رسید که تولید علم در حوزه علوم انسانی بدون توجه به نقد وضعیت موجود و البته نقد محتوای کتب درسی دانشگاهی و منابع علمی موجود، موجب ارتقاء این علوم نخواهد شد. اما افزون بر این، اهداف دیگری نیز دنبال می‌شد مانند: توسعه فرهنگ نقد در جامعه علمی، تقویت جایگاه علوم انسانی در

۱۰. گروه‌های تخصصی «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» عبارتند از: گروه ۱- علوم سیاسی ۲- علوم اجتماعی ۳- فلسفه و کلام ۴- علوم تربیتی ۵- روانشناسی ۶- روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی ۷- فقه و حقوق ۸- تاریخ، هنر و باستان‌شناسی ۹- زبان و ادبیات فارسی ۱۰- زبان و ادبیات عربی ۱۱- زبان‌شناسی ۱۲- اقتصاد و ۱۳- مدیریت

۸ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

کشور، نسبت سنجی سازواری تولیدات علوم انسانی با مبانی فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی، تدوین و اصلاح سرفصل‌ها و برنامه‌های آموزشی علوم انسانی و یا تولید متون دانشگاهی با رویکرد اسلامی - ایرانی.

گرچه در طول این سال‌ها در مسیر فعالیت‌های شورا فراز و نشیب‌های بسیاری وجود داشته اما با همه تنگناها و مشکلات، نیت خیر و صفای صدق بانیان اصلی، انگیزه عالی و هدفمند اعضا، همراهی اندیشمندان استادان و صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه، همکاری مشفقانه مدیران و یاری مجدانه اعضا دبیرخانه شورا، سبب شده تا این نهاد علمی به دور از هیاهوهای ظاهری کار خود را با اتقان پیش برد و متناسب با شرایط، نقاط قوت و ضعف خود را ارزیابی کند. در این راستا از سال ۱۳۹۰ همزمان با رویکرد جدید مدیریتی که به ساختار شورا و کیفیت و کمیت فعالیت‌ها و برون‌دادهای آن صورت گرفت، مجموعه دستاوردها و کارهای آن شتاب روزافزونی به خود گرفته و شاهد تغییر و تحولات بنیادینی بوده‌ایم. در این ردیف نقد و تحلیل نظریه‌های مطرح و تاثیرگذار جهانی در قالب کتب و متون تراز جهانی در دستور کار گروه‌های تخصصی شورا قرار گرفت تا به این طریق علاوه بر ترویج جریان نقد در مراکز دانشگاهی، نقد علمی، جامع و نظام‌مند نظریات مطرح در گستره علوم انسانی معاصر و به ویژه غربی مورد لحاظ بوده و پیاپی تولید علوم انسانی اسلامی - ایرانی متناسب با مقتضیات جدید جهان علمی راهی به سوی تحقق بیابد. انتخاب متون براساس تقسیم‌بندی ملی و جهانی، در نظر داشتن متون آکادمیک جهانی و نه صرفاً متون ترجمه‌ای، و همچنین ارائه نقدهای نظریه محور و نه صرفاً متن محور، بخشی از آثار این رویکرد جدید است.

امیدوارم بتوانیم این تلاش مضاعف را با مدیریت بهینه، ذهنیت خلاق و همیاری مراکز و اندیشمندان علوم انسانی به سمت چنان هدفی پیش ببریم که در آینده‌ای نه چندان دور

مراکز علمی و پژوهشی در ایران، به عنوان مراجع نقد علمی آخرین دستاوردهای روز علوم انسانی جهان به حساب آیند.^{۱۱}

بی‌گمان هریک از گروه‌های تخصصی شورا براساس اساس‌نامه و آیین‌نامه‌های موجود، وظایف و برنامه‌های خود را در حیطه‌ی عناوین مختلفی تنظیم می‌کنند مانند: برگزاری جلسات گروه، ارائه‌ی نقدنامه‌های تخصصی حاوی داوری و نقد کتب ملی، ارائه‌ی نقدنامه‌های متون در تراز جهانی، ارائه‌ی مقالات علمی پژوهشی نقد متون جهت چاپ در نشریه علمی پژوهشی پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌ریزی درسی، طرح‌های پژوهشی، طرح تألیف کتاب، برگزاری همایش، کارگاه و نشست‌های تخصصی، برگزاری جلسات نقد نظریه‌های علمی، برگزاری جلسات مشترک نقد کتاب با مولفین و ناقدین و...

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های گروه‌های تخصصی، تنظیم و چاپ نقدنامه‌های تخصصی در حوزه‌ی رشته‌ی خاص خود است که محصول یک فرایند طولانی و بسیار پر زحمت می‌باشد. هر نقدنامه حاوی خلاصه‌ی جمع‌بندی نهایی داوری‌های علمی انجام شده در خصوص کتب منتخب در هر گروه خواهد بود؛ گروه‌های تخصصی که متشکل از استادان و صاحب‌نظران مرتبط با رشته تخصصی بوده و غالباً از گرایش‌های گوناگون در آن رشته خاص و با پوشش تمامی دانشگاه‌های کشور برگزیده می‌شوند و از لحاظ ساختار مدیریتی، هر گروه متشکل از رئیس، (به‌عنوان مسئول اصلی و مدیر علمی) و نیز دبیر گروه (به‌عنوان بازوی اجرایی و پی‌گیری امور گروه) و همچنین اعضاء گروه (به‌عنوان بدنه‌ی اصلی علمی مجموعه) است. روند اجمالی بررسی و نقد کتب در گروه‌ها بدین شکل است که کتاب‌ها و متون مورد نظر پس از معرفی از سوی اعضاء گروه و یا مراکز و یا اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌ها، در گروه مطرح شده و جهت نقد و بررسی انتخاب می‌شوند و سپس برای حداقل ۲ استاد صاحب‌نظر به همراه فرم‌های مخصوص نقد و داوری ارسال می‌گردند.

۱۱. ببینید: شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، شیوه‌نامه نقد و تحلیل آثار و کتب در تراز جهانی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهمن ۱۳۹۰.

منتقدین مورد نظر براساس فرم‌های نقد و بررسی که حاوی پرسش‌های متعدد و جامع شکلی و محتوایی است، متن منتخب را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و پاسخ‌های خود را در جداول منعکس می‌کنند. این پاسخ‌ها در جلسه تخصصی گروه توسط استادان رشته، مطرح و به بحث گذارده شده و چنانچه نیاز به بازبینی داشته، پس از نظر بازبین تحریر شده و نهایتاً در فرم‌های مخصوص، جمع‌بندی نظرات در قالب ابعاد شکلی و محتوایی و نقاط قوت و ضعف، چکیده‌سازی خواهد شد و به تائید نهایی گروه می‌رسد تا در فرجام کار (به فراخور حال و نظر گروه) برای مولف، ناشر، گروه علمی، دانشکده، و یا سایت شورا ارسال و منعکس گردد. در نامه‌های ارسالی به مولفین و ناشرین محترم از آنها دعوت می‌شود در جلسه‌ای که به همین مناسبت توسط گروه مربوط منعقد می‌شود شرکت جسته تا نظرات منتقدین و مولفین به بحث و تبادل نظر علمی مشترک گذارده شود. از سوی دیگر از منتقدین کتب و متون درخواست می‌شود مجموعه دیدگاه‌های انتقادی خود را پیرامون متن مورد داوری در قالب یک دستورالعمل پیشنهادی^{۱۲} به صورت یک «مقاله نقد» تنظیم کنند تا این امکان نیز فراهم گردد که مقالات پژوهشی منتقدین از طریق نشریات پژوهشی شورا و همچنین وسایل ارتباطی دیگر در اختیار شبکه علمی فرهیختگان کشور قرار گیرد و بدین وسیله چرخه نقد علمی رونق یابد. آنچه می‌تواند این فرایند را تکمیل و بر بالندگی آن بیافزاید امکان تحقق «سامانه نقد نقد» است که در پی هر نقدی، نقدی دیگر؛ پخته‌تر و فربه‌تر، پی در پی درآید تا نبض زنده نقد در سائقه جامعه علمی، پر تفتن در حال حرکت آمده و علاوه بر این، لایه‌های گوناگون مسایل علمی به تحلیل و تبیین لازم درآید، و جامعه نخبگانی نیز از این پیکره پردغدغه بهره‌های علمی لازم را ببرد.

پرواضح است که فرآیند نقد متون؛ از برگزاری جلسات گروه تا گزینش متن و ارسال فرم‌ها و جمع‌آوری و جمع‌بندی کار، روندی زمان‌مند است، اما آنچه برای گروه‌های

۱۲. رک: شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، فرم نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی (کتب ملی)، ص ۹

تخصصی شورا اهمیتی دوچندان یافته، دقت در افزایش کیفیت علمی نقدها و کم کردن زمان حصول نتیجه خواهد بود و با وجود این که فرم‌های نقد و بررسی متون، چندین دوره مورد تجدید نظر و بازنویسی قرار گرفته و از این حیث می‌توان اذعان کرد که در موقعیت خود از نصاب بالای ملاک‌های علمی برخوردار است، اما همچنان تا دربرداشتن تمامی شرایط مطلوب و جامع، فاصله وجود دارد که امیدواریم قدم به قدم این مرزها کمتر شود. با این توضیحات مجموعه پیش رو تحت عنوان «نقدنامه گروه تخصصی» یکی از دستاوردها و محصولات گروه‌های «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» است که برآمده از یک روند پرتکافو بین سه حلقه «شورای مرکزی»، «گروه تخصصی» و «دبیرخانه شورا» است و بر این پایه، بایسته است خوانندگان فرهیخته به این نکات توجه کنند:

۱- تجربه نقد و بررسی متون علمی به شیوه جاری یک تجربه نو و جدید است و از این رو باید به لوازم و مقتضیات چنین امری آن هم در جامعه‌ای که هنوز فرهنگ نقد جای و گاه ضروری و لازم خود را نستانده، توجه درخور داشت و به ویژه صبوری، آداب دینی و اخلاقی، و الزامات نقادی علمی را مدنظر قرار داد.

۲- یکی از مهم‌ترین اهداف «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» از چاپ و نشر نقدنامه‌های گروه‌های تخصصی، علاوه بر ترویج جریان نقد علمی، دعوت خاضعانه از همه صاحب‌نظران و به خصوص مؤلفین محترم برای شرکت در «سامانه نقد نقد» است تا چرخه «ان قلت علمی» بر مدار یک مسأله پژوهشی بتواند به روشن شدن ابعاد آن و حل و تحلیل مسایل و معضلات روزآمد جامعه (از منظر کارکردهای علوم انسانی) منتهی گردد.

۳- فرهیختگان محترم باید در نظر آورند که مجموعه عملکرد طولانی و دقت نظرهای استادان، نهایتاً در یک یا دو صفحه جمع‌بندی نهایی می‌شود که در واقع چکیده ده‌ها صفحه مطلب و داوری‌های موجود است. اگرچه براساس آیین‌نامه‌های شورا مسئولیت

۱۲ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

علمی نهایی جمع‌بندی‌ها با رئیس گروه است اما با همه مراقبت‌های گروه، به صورت طبیعی این امکان وجود دارد که در مواردی، مقاصد مؤلفین و یا حتی مطالب منتقدین به‌درستی و با ظرافت منعکس نشده باشد و لذا در این فرض با مراجعه به اصل متن و یا اصل نقد باید به رفع ابهام مبادرت ورزید.

۴- گاه در یک گروه بین نقدهای ارائه شده از جهت تعداد صفحات و یا حتی شیوه ارائه نقد، و گاه بین گروه‌های مختلف شورا، ممکن است وحدت رویه کامل و جامعی در نقد نامه‌ها مشاهده نشود که این امر ریشه در آزادی عمل تشخیص گروه یا تفاوت سبک و رشته‌های تخصصی و یا تفاوت سیاق کتب مورد نقد دارد؛ و گرچه نباید و نمی‌توان سبک و سیاق ۱۳ گروه تخصصی را در دامنه پر پیمانه خانواده بزرگ علوم انسانی کاملاً با یکدیگر یکسان‌سازی کرد اما درصدد هستیم با حفظ روحیه خلاقیت گروه‌ها، تفاوت‌های صوری را به حداقل برسانیم.

۵- در مجموعه منشورات پیش روی نقد نامه‌های گروه‌ها در سال ۱۳۹۰، سعی بر آن بوده برای نخستین بار، شکل ارائه و قالب کار همسان باشد تا علاوه بر رفع نسبی اشکال پیش‌یاد، همه آنچه لازم است یک نقدنامه تخصصی در حوزه علوم انسانی واجد آن بوده، دارا باشد. امیدواریم با همت مثال‌زدنی رؤسا و دبیران محترم گروه‌ها بتوانیم در منشورات بعدی در جهت کیفی‌سازی لازم حرکت کنیم.

سخن آخر، دعوت از همه اندیشمندان، پژوهشگران و مؤلفین محترمی است که کتب آنها در این مجموعه مورد نقد و بررسی قرار گرفته تا با ارسال نظرات و نقدهای خود ما را مفتخر به یاری رسانند.

لازم است از ریاست محترم «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» جناب آقای دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی و همه همکاران ایشان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پاس حمایت‌های مستمر خود تشکر کرده و به ویژه به دوستان عزیز و اعضاء

سخت‌کوش دبیرخانه شورا خانم‌ها: اسماعیلی و محسنی و آقایان: مقیسه، نجف‌پور،
نصیری و شهابی، درودی بی‌کران بفرستم.

همچنین سپاس‌گذاری خالصانه خود را از تلاش‌های ارزشمند استاد گرانمایه جناب آقای
دکتر صادق آئینه‌وند رئیس محترم گروه تاریخ و نیز دبیر گروه سرکار خانم سیمین مقیسه
که توأمان زحمات اصلی تهیه و گردآوری این مجموعه را برعهده داشته‌اند، اعلام کرده و
امیدوارم پس از این شاهد به بار نشستن سایر فعالیت‌های چشمگیر این عزیزان باشیم.

سیدحسین حسینی

دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

۱۳۹۲/۵/۵

مقدمه

معرفی گروه تاریخ و باستان‌شناسی و هنر
شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

(یادداشت رئیس گروه)

گروه «تاریخ، باستانشناسی و هنر» شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی با عضویت دوازده نفر از استادان مبرز و متعهد و با همکاری جمع قابل توجهی از متخصصان مجرب و متعهد دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور در این حوزه، ارزیابی علمی و محققانه کتاب‌های اصلی حوزه‌های تاریخ، تاریخ اسلام، تاریخ و تمدن اسلامی، باستانشناسی و هنر را به عهده دارد. این گروه به لحاظ گستردگی موضوع همواره تلاش خود را برای ارزیابی دقیق و مؤثر آثار تخصصی و منابع اصلی این حوزه مصروف داشته و امیدوار است با مطالعه دقیق و ارزیابی موشکافانه خود در مورد هر اثر بتواند پیشنهادهای منطقی و معقولی را برای تکمیل و اصلاحات احتمالی، به همراه تجدید نظر اساسی عرضه کند و نتایج حاصل را برای بررسی مؤلفان و مترجمان محترم کتاب‌های مورد نظر در اختیار آنها قرار دهد. بر اساس شیوه نامه مصوب شورای بررسی متون، هر کتاب حداقل برای «داوری» دو تن از اعضای صاحب‌نظر هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات طراز اول آموزشی و پژوهشی کشور ارسال می‌شود. برای انتخاب داوران نیز معیارهایی چون صاحب‌نظر بودن درباره موضوع کتاب مورد داوری و تدریس درس مربوط به کتاب مطمح نظر است. کاربرگ‌های داوری شده را دو نفر دیگر به عنوان «بازبین» ملاحظه و نتیجه داوری‌ها را در قالب کاربرگ‌های بازبینی برای طرح در جلسه گروه عرضه می‌کنند. گروه پس از بررسی مجدد و مشورت جمعی به صورت نهایی نظر خود را درباره کتاب اعلام می‌کند.

در این زمینه گروه «تاریخ، باستانشناسی و هنر» تاکنون جمعاً ۱۸۶ جلسه را به بررسی متون و آثار تخصصی در این زمینه اختصاص داده است و در این فاصله حدود ۱۲۰ اثر رایج در حوزه‌های مذکور را بررسی نموده که از میان آنها ۹۶ عنوان چرخه داوری خود را به اتمام رسانده و نهایی شده است و حدود ۲۶ عنوان نیز حداقل یکبار داوری و بازبینی شده است.

گروه «تاریخ، باستانشناسی و هنر» در کنار سایر گروه‌ها، گام‌های مؤثری نیز در مسیر آسیب‌شناسی، نقد منابع و تشریح وضعیت موجود کتب درسی حوزه‌های مورد اشاره برداشته و برای نمونه در نشست ۱۳۹۰ با حضور قریب به ۵۰ تن از

۱۸ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

استادان و داوران را در تهران برگزار کرد. هدف از این همایش تعامل تجربیات استادان و محققان در امر آموزش و پژوهش و آگاهی از نقاط ضعف و قوت متون و منابع مربوط بود. همچنین از آنجا که نقد و تحلیل آثار مهم و کلیدی این حوزه‌ها نیز از اهم محوره‌ای شورا بوده است، تعدادی از این آثار نیز توسط استادان و محققان مورد بررسی و نقد قرار گرفت که حاصل کار در نقدنامه‌ای نیز منتشر گردید. گروه «تاریخ، باستانشناسی و هنر» امیدوار است با همکاری استادان و پژوهشگران صاحب نظر، گام‌های مؤثری در جهت اعتلای ارزشهای دینی و انقلابی بردارد.

نقد و بررسی کتب

«فلسفه تاریخ»

مؤلف: مایکل استنفورد

ترجمه: احمد گل محمدی

ناشر: نشر نی

سال نشر: ۱۳۸۹

نوبت چاپ: چهارم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۴۶۴

مایکل استنفورد از سال ۱۹۸۳ استاد فلسفه و تاریخ در دانشگاه وست انگلند West of England و اکنون سردبیر مجله فلسفی Cogito است. وی در این کتاب به مهم‌ترین مسائل فلسفه تاریخ و روش‌شناسی با کمک مثال‌هایی قابل فهم و و به زبانی بسیار ساده پرداخته است. در این راستا وی برآن است تا به پرسشها و تردیدهای مربوط به اعتبار سنجی معرفت تاریخی، پاسخ‌های مناسبیابد. بدین صورت نویسنده پس از طرح هر نکته‌ای درباره‌ی چیستی‌های فلسفه‌ی تاریخ بویژه از منظر انتقادی آن به رابطه و نسبت میان تاریخ، فلسفه و علوم اجتماعی به بررسی مسائل وموضوع‌های بسیار مهم مانند علت، تبیین، عینیت، حقیقت و معنا می‌پردازد. فصل پایانی کتاب تحت عنوان "پایان تاریخ" دربرگیرنده‌ی نکته سنجی‌های مؤلف در پاسخ به مقاله معروف فرانسیس فوکویاما در طرح معضل پایان تاریخ است.

از جهت کلی، باید گفت این اثر جزو متونی است که در اکثر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های عالی ایران در درس فلسفه تاریخ و روش‌شناسی در سطوح مختلف تدریس می‌شود. متن علی‌رغم بار فلسفی، به میزان قابل توجهی روان ترجمه شده است تا خوانندگان

۲۲ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

فارسی زبان را در جریان مهمترین و بحث برانگیزترین دغدغه‌های مورخین مطرح، قرار دهد. در عین حال مترجم به دلیل رعایت پاره‌ای موازین ترجمه‌ای، در ساختار ادبیات اصلی متن مانده و متن را دچار سنگینی کرده که باز بخشی دیگر این مشکل به نظر می‌رسد که از آن جهت است که مترجم در حرفه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری کمتر آبدیده شده است. اما ویراش کار از پاره‌ای ناهمواری‌های برگردان اندکی کاسته است. اساسا نوشته‌های مایکل استنفورد در حیطه تاریخ و تاریخ‌نگری در زبان انگلیسی هم از روانی و سلاست لازم برخوردار است.

افزون بر این، از جهت شکلی باید گفت که کتاب حاضر از جهت حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد از کیفیت قابل قبولی برخوردار است. این کتاب در شکل موجود می‌تواند اساسا به عنوان متن کمک درسی تلقی شود. چرا که در مقایسه با سرفصلهای موجود در درسهای ارائه شده از جمله فلسفه تاریخ تنها می‌تواند بخشی از آنها را پوشش دهد. باید توجه داشت که این اثر نه از سوی نویسنده و نه از طرف مترجم به بهانه کلاسهای درس ایران ساخته و پرداخته نشده است. بنابراین چنین نکته‌ای به معنی نقصان برای کتاب مطرح نیست، بلکه تذکری برای مدرسین است که توجه داشته باشند.

این کتاب برای مثال در درس فلسفه تاریخ کارشناسی ارشد قریب نیمی از سرفصلها را پوشش می‌دهد. چنانکه سرفصلها قایل به دو نوع نگرش در آموزش فلسفه تاریخ در نوع نگرش هستی‌شناسانه (جوهری) و معرفت‌شناسانه (انتقادی-فلسفه علم) است. این اثر بخش دوم موضوعات در سرفصلها را به خوبی پوشش می‌دهد. از سوی دیگر مؤلفین انگلیس-آمریکایی در مباحث فلسفه تاریخ در سطح آموزشی بیشتر اعتقاد به "تمرین فلسفه تاریخ" دارند تا بیان تاریخ فلسفه تاریخ. استنفورد در این کتاب به شیویه تمرینی سعی در وادار سازی خواننده به همفکری و تفکر در باب مسایل مطرح شده دارد. این نکته در سبک و سیاق این اثر آشکارا مشهود است. بدین صورت به نظر می‌رسد که طراحان سرفصل‌های دروسی نظیر این درس باید دست به تصحیح سرفصلها در راستای عملیاتی سازی مطالب در سطح آموزشی باشند.

در باب مهندسی مستحکم این اثر باید گفت مؤلف هر فصلی از کتاب را با عنوانی خاص نام گذاری می‌کند. وی در زیر مجموعه عناوین اصلی به زیرشاخه‌های مرتبط بحث پرداخته و هر جا که لازم باشد به موقع ارجاع به یادداشت‌های آخر فصل داده، و دست

فلسفه تاریخ ۲۳

آخر نیز برای مطالعه بیشتر منابع اصلی و سودمندی را معرفی می کند. این اثر در هفتاد و پنج سالگی نویسنده در سال ۱۹۹۸ چاپ شده است. از یک سو این مسأله نشان از پختگی و کمال تألیف را دارد، و از سوی دیگر نشان از همت نویسنده در عرضه به روز مطالب موضوع است. موضوعاتی از این دست پیوسته مورد مباحثه قرار می گیرند، چنین وضعی هم در متن وجود دارد و هم در آثار همعصران نویسنده، پیوسته ارجاع به وی دیده می شود. این همچنین گویای جایگاه ارجمند نویسنده در حیطه این موضوعات است. نویسنده در همه آثار خود از جمله این اثر، بیشترین توجه را به خواننده دارد. تاجایی که خود را متعهد می داند که وقت خواننده بیهوده صرف نشده باشد. چنانکه ذکر شد، فهرست منابع متعدد وی در متن برای مطالعه بیشتر، گویای این حس نویسنده است. نویسنده از لحاظ مشرب فلسفی جزو نو- مدرنیست‌ها به حساب می آید. وی تردیدهای پسامدرنیستی را احترام گذاشته و درصدد پاسخگویی به آنها بر می آید. درحالیکه پرسشهای مانده را نه از جهت نگرش پسامدرنی، بلکه آنها را جزو ذات مباحث فلسفی می داند که همه وقت باید درصدد پاسخگویی به آنها بود. بی شک آثار ترجمه شده مایکل استنفورد از جمله این اثر در سالهای اخیر توانسته در محیطهای دانشگاهی موجب فراهم آمدن گفتگوهای علمی تازه‌ای گردد. سهم مهم این اثر، بویژه در طرح و کاربری اصطلاحات فلسفی-تاریخی در عرصه علمی کشور قابل ستایش است. برخی اصطلاحات فنی و تخصصی از مجرای این اثر و کتاب دیگر مؤلف تحت عنوان "در آمدی بر تاریخ پژوهی" (ترجمه مسعود صادقی)، توانست به شکل قابل توجهی دانشجویان تاریخ را به مباحث روش شناسی و معرفت شناسی جدید بکشاند. در خاتمه جهت تجدید چاپ این اثر افزون بر واریسی علمی و فنی متن، توصیه می شود در انتهای کتاب بخش نمایه اصطلاح‌شناسی لاتین و برابر نهادهای فارسی آن تنظیم گردد.

«امامت و سیاست (تاریخ خلفا)»

مؤلف: ابن قتیبہ دینوری

ترجمہ: سید ناصر طباطبایی

ناشر: ققنوس

سال نشر: ۱۳۸۸

نوبت چاپ: سوم

محل نشر: تہران

تعداد صفحات: ۴۱۲

ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبہ (۱۷۶-۲۱۳ھق) اصلاً ایرانی است کہ در کوفہ یا بغداد متولد و مدتی منصب قضا دینور را برعده داشت کہ بہ ہمین دلیل بہ دینوری معروف گردیدہ است. نویسنده نحوی و یکی از مولفان و مورخان بنام قرن سوم ہجری بودہ و صاحب تالیفات بسیار می باشد. اصل کتاب کہ بہ تاریخ خلفا معروف و بہ ابن قتیبہ منسوب است کہ بہ زبان عربی نگاشته شدہ و ترجمہ آن با عنوان امامت و سیاست توسط سید ناصر طباطبایی بہ چاپ رسیدہ است. ہرچند متن عربی کتاب سالہا پیش چاپ و منتشر شدہ بود اما ترجمہ فارسی آن بویژہ برای بہرہ برداری آن دستہ از پژوهشگران و دانشجویان کہ بہ زبان عربی آشنایی و تسلط کافی ندارند، ضرورت داشت. این کتاب بہ شکل کروئولوژی گزارشی است از مہم ترین رویدادہای تاریخی قرون نخستین اسلامی از زمان خلفای راشدین تا پایان دوران خلافت ہارون الرشید کہ بخشی از آن نیز بہ تاریخ مفصل دوران خلافت امام علی (ع) و حوادث و اوضاع و احوال زمان آن حضرت اختصاص دارد. بدین صورت این اثر یکی از منابع اصلی دورہ نخستین

۲۶ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

اسلامی است. دامنه موضوعات و تنوع آنها محققین را ناگزیر از بهرگیری از آن کرده است. چنانکه موضوعاتی ذیل گویای طرح مطالب بحث برانگیز در این اثر می باشد: سرگذشت سقیفه، بیعت با ابوبکر، چگونگی بیعت علی (ع) با ابوبکر، خلافت عمر، سرگذشت شورا و بیعت با عثمان بن عفان، چگونگی کشته شدن عثمان، چگونگی بیعت با علی (ع)، مخالفت عایشه با علی (ع)، جنگ علی (ع) با طلحه و زبیر و عایشه، سخنان مالک اشتر با علی (ع)، نامه علی (ع) به معاویه، درخواست معاویه شام و مصر را از علی (ع)، مکاتبات و نامه‌های متبادله میان علی (ع)، معاویه و سایر فرماندهان و امرا دو طرف، کشته شدن عمار یاسر، شکست سپاه شام، پذیرش صلح و فرستادن حکمین، اختلاف در نوشتن صلح‌نامه، سرگذشت خروج کنندگان بر علی (ع)، خطبه علی (ع)، سخنان علی (ع) با خوارج، کشته شدن خوارج، مقتل علی (ع)، تلاش معاویه برای گرفتن بیعت برای یزید، حکومت ولید بن عقبه بر مدینه و بیرون رفتن حسین بن علی (ع)، نبرد عمرو بن سعید با حسین بن علی (ع)، اسیران خاندان علی (ع) نزد یزید، خلافت معاویه بن یزید، بیعت با عبدالملک بن مروان و گزارش مفصل رویدادهای جهان اسلام در عصر خلافت اموی و اوایل عباسی. از منظر اهداف این نوشته، اثر جزو منابع پژوهشی بوده و در پاره ای موارد در درس تخصصی تاریخ اسلام، تاریخ تحلیلی اسلام، تاریخ تحول دولت در اسلام، تاریخ اندیشه سیاسی به عنوان کتاب درسی در مقاطع مختلف و دانشگاه‌های متفاوت معرفی می‌شود. کتاب ویرایش مطلوبی شده و از جهت شکلی؛ حروفنگاری، صفحه آرایی، صحافی و طرح جلد عالی ارزیابی می‌شود. ضمن اینکه مترجم به نیکی توانسته اصطلاحات تاریخی را برابر یابی کرده و خواننده را با این قتیبه به قرون اولیه اسلام ببرد. همچنین مترجم نثری روان دارد و در انطباق با متن عربی کم و بیش امانتداری را به نحو مطلوبی رعایت کرده است.

از نظر محتوایی باید نسبت به این اثر تاملاتی داشت. چنانکه توصیه اساسی به مترجم آن است که در مباحث کلیدی قدری تحشیه لازم بود. چراکه این ابن قتیبه حنبلی مسلک بوده و بهرروی در رویارویی با اندیشه معتزله و به نوعی در برتری انگاری عرب اقامت داشته است. چنین وضعیتی حداقل در چینش اخبار و وقایع تاثیر گزار بوده است. در این صورت به نظر می‌رسد حتی الامکان مترجم باید چنین مراتبی را در پاورقی اثر پررنگ می‌کرد. در عین حال دیدگاه‌ها و اخبار بدیع نویسنده نمایشی از فرصت‌های لازم

امامت و سیاست (تاریخ خلفا) ۲۷

برای محققین در حیطة نظر است. چنانکه ذکر خبر ولایتعهدی یزید و چگونگی تلاش معاویه برای بیعت از جمله این موارد است.

هرچند ویرایش و ترجمه این اثر مطلوب ارزیابی می‌شود، اما در مجموع تدوین فهرست تفصیلی دقیق و نمایه موضوعی فنی در تکمیل این متن تاریخی ضرورت دارد. همچنین توصیه می‌شود در چاپ بعدی مترجم به غلط‌گیری دقیق پرداخته تا متن از پاره‌ای ناراستی‌های آزار دهنده موجود مبرا شود.

«جغرافیای تاریخی کوفه»

مؤلف: لویی ماسینیون

ترجمه: عبدالرحیم قنوات

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۸

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۲۶

اصل این کتاب به زبان فرانسوی بوده که مترجم از ترجمه عربی آن استفاده کرده و آن را به زبان فارسی برگردان نموده است. مترجم با موفقیت نسبی، شرح و تعلیقات عربی اثر را به فارسی نیز ترجمه کرد و در تکمیل پاورقی و نام کامل کتابها و توضیحات سعی وافر نموده است. در عین حال کتاب صرفنظر از توضیحات و حواشی در واقع بیشتر یک مقاله تفضیلی است.

مؤلف بر روی جغرافیای کوفه کاملاً متمرکز شده و لذا به صورت جدی به تفضیل و تحلیل مطالب پرداخته است. روانی و سلاست این کتاب در ترجمه نیز قابل توجه است. بیشتر اینکه از لحاظ شکلی مستندات در پاورقیها خود بر اهمیت کتاب می‌افزاید. چنانکه شرح و تعلیقات فرانسوی در کنار مطلب عربی ترجمه فارسی را غنا بخشیده است. چاپ موجود این اثر از جهت حروف نگاری، صفحه آرایی، صحافی و طرح جلد مناسب و شکیل است. به نظر می‌رسد چنین حجمی از لحاظ شکلی متناسب درس دو واحدی باشد.

از جهت محتوایی چند نکته حایز اهمیت است:

این اثر در حوزه تاریخ محلی / منطقه‌ای می‌توان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. چنانکه در حیطه نگارش‌های محلی مرسوم است نویسند در زمینه اصطلاح‌شناسی موضوع کوفه و نواحی آن موفق است. استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات جغرافیایی مرتبط با کوفه، و بررسی و تحلیل اعلام آن می‌تواند در ارتقای سطح معلومات خواننده در نگرش محلی بسیار مؤثر باشد. در عین حال بدلیل بهره‌گیری مترجم از نسخه عربی نمی‌توان با دقت میزان توفیق وی را در برابر سازی اصطلاحات و واژه‌ها با دقت ارزیابی نمود.

تمرکز مؤلف در جغرافیای معین و به نسبت کوچک کوفه خود نیز نشان از عمق پژوهش لویی ماسینیون در آن منطقه را دارد. نویسنده ضمن اشاره به نحوه برآمدن و شهرسازی کوفه به طور دقیق دست به ترسیم سایر عناصر شهری نیز می‌زند. محلات، قبایل ساکن در آن‌ها و پاره‌ای ارتباطات آنها از جمله ظرایفی است که موجب آشکاری وضع جغرافیای تاریخی کوفه می‌شود و نشان از غنای این نوشته موجز دارد. این مطالعه موردی نشان می‌دهد که نویسنده دست به پاره‌ای تحقیقات میدانی نیز زده است تا بتواند ابعاد مختلف شهر را با تحقیق و تفحص بهتری روشن کند. آنگونه که ترسیم نقشه برخی محلات کوفه گواه بر این مصداق است. ضمن اینکه به نظر می‌رسد که چگونگی سمت و سوی توسعه شهر بر این مبنا در کتاب آمده باشد. همچنین تحلیل مؤلف در بیان نکاتی مانند روند تغییر اردوگاه به شهر، و یا تحلیل نقشه اقتصادی کوفه، و حتی نقش قبایل مختلف در تشریح این وضعیت در خور تحسین و هنوز به نوعی نوآوری به حساب می‌آید. کتاب جغرافیای تاریخی کوفه از جهت انسجام محتوایی و مهندسی و تسلسل مطالب قابل قبولی برخوردار است. در عین حال در صورت نگرش تطابق واحد درسی باید اذعان داشت که طراحی درسهای "جغرافیای تاریخی" و در گرایش‌های مختلف رشته تاریخ و تاریخ و تمدن، بسیار گسترده تر از آنچه در این اثر آمده می‌باشد. از این جهت باید گفت که کتاب موجود می‌تواند در کنار سایر کتاب‌ها در تدریس عناوین فوق مفید باشد. بنابراین این کتاب در زمره کتب کمک درسی می‌تواند قرار گیرد. از سوی دیگر باتوجه به گذر زمان و اینکه کتاب جغرافیای تاریخی کوفه در اوایل قرن بیست نگارش یافته، می‌توان تصور کرد که این تالیف به خودی خود خوب بوده و مانند هر اثر تاریخی، گذر زمان از قدر و منزلت آن نمی‌کاهد. چراکه منبع شناسی این کار خود دلیل بر عمق مستند سازی نویسنده می‌باشد. اما در عین حال با

جغرافیای تاریخی کوفه ۳۱

توجه به تحقیقات بروز موجود درباب موضوع کوفه، باید اذعان داشت که این کار در کنار سایر آثار می‌تواند به ارتقای علمی دانشجویان کمک کند. نکته اینکه موارد و یافته‌های نویسنده در یک انسجام معقولی عرضه شده که خواننده در کمترین فرصت می‌تواند به اطلاعات مثمرتری دست یابد. اثر به آرامی از فرود آمدن قبایل تا بر آمدن شهر و محلات در کمال ایجاز به ذکر روایت می‌پردازد. هر گوشه روایت نیز در بر دارنده منابع و مستندات معتبر است. چنین نگاهی موجب مانده گاری نویسنده بر پاشنه علمی شده و برآیند مطالب نمایشی از سیر تکامل و شکوفایی تمدن اسلامی دارد. چنین امری مطلب را از یکسو نگری و پاره‌ای غرض‌ورزی‌های مرسوم رها کرده است.

«تجدد بومی و بازانديشی تاریخ»

مؤلف: دکتر محمد توکلی طرقي

ناشر: نشر تاریخ ایران

سال نشر: ۱۳۸۰

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۶۱

کتاب تجدد بومی و بازانديشی تاریخ در واقع مجموعه هفت مقاله است که مولف پیش از این در مجلات برون مرزی و برای ذائقه‌هایی خاص به چاپ رسانیده و اکنون در جور چینی هدفمند آنها را در قالب تالیف در آورده است. از این رو نویسنده بیشتر در دایره خوانندگان عمومی تاریخ سخن گفته که خود این مطلب اسباب سهولت ایجاد رابطه با خواننده را در سطوح مختلف فراهم کرده است. گو اینکه وی مطالبی را در فضای برون مرزی به تالیف در آورده و در فضای داخلی آنها را به رخ خواننده کشیده است. از سوی دیگر نویسنده در صدد باز آفرینی دو مطلب است که در سرتاسر مقالات به نوعی تلاش در القای آنها به خواننده را دارد که ضمن برخ کشیدن تمامی منابع اصلی، که این خود به نوعی مایه‌ی استحکام مطلب می شود، برآن است تا در درجه نخست دست به تخلیه روحی و روانی خواننده از طریق حذف دستاورد های هویتی ایرانی در قرن نوزدهم زند. و از سوی دیگر با نوعی پرده دری دست به تحقیر تحقیقات درون زاد زده و آنچه که اسباب تقویت متن است را آورده و سایرین را پیوسته تخطئه می کند. حاصل اینکه ایرانی هیچ نیست و اخلاق و مذهب ملعبه مشرب و ضرورت زندگی او است. عنوان اثر یکی از پرسش های تاریخی در تاریخنگاری ایران است. در عین حال ظریف و بازار

۳۴ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

پسند انتخاب شده است. شاید خریدار بدنبال گم شده خود در "تاریخ نزدیک" باشد. ولی از ابتدای متن تا انتها، نویسنده در قرن نوزدهم و حداکثر به اوایل قرن بیستم می‌رسد. شاید اگر نویسنده در عنوان اثر دوره زمانی خاصی را می‌گنجاند بهتر بود. ضمن آنکه عناوین فصول خیلی قریحه‌ای و ذهنی است و خواننده در ابتدا نمی‌داند قرار است به کجا برود و پس از خواندن متن همانند عناوین فیلم‌نامه‌ها خود باید در لابلای متن بگردد تا نویسنده را نجات دهد. عناوین فصل‌های: ۳. تووطن بشناس خواجه، ۴. پیکر مادرانه وطن و نقش مشروطه خواه، ۵. به تماشارفته بودیم خود نیز تماشا شدیم، ۶. به آزادی تفاخر دارند و به خودسری تشکر، نمونه‌هایی است که فصول به کجا می‌روند. متن در حدس‌های خوانند گم می‌شود و پیوسته نویسنده وی را در لابلای سطور به جایی می‌برد که اگر انتظارات وی برآورده نشد و یا متحیر ماند، گمان برد که خود در فهم مطلب قصور کرده است. درحالی‌که نویسنده زیرک همین انتظار را دارد که در درجه نخست خواننده را تهی کرده و خود را بر فراز منابع، برپشت متون قرار داده که خیلی بیش از این است "و تورا همین بس".

معمولا تطابق متن با محتوا با عناوین در کتابهای درسی، کمک درسی و یا بطور کلی دانشگاهی مطرح است که از این منظر این اثر در این رده ها نمی‌گنجد. چرا که اساسا کتاب موجود در این قالب ها تدوین و تنظیم نیافته است. بنابراین چون چنین انتظاری نبوده، مولف به هر نحوی که خواسته و قلم رفته، مطلب خود را ساماندهی کرده است. در همه حال از منظر کار بری در حیطه آموزشی، می‌توان گفت این اثر بیشتر جهت دانشجویان دوره دکترا می‌تواند قابل تجویز باشد. چرا که بسیاری از مسایل و حتی پیش فرضهایی طرح می‌شود که اثبات یا رد آنها نیاز به تحقیقات بیشتر داشته و صرفا می‌تواند در حد ادعا باقی بماند. برای مثال ارتباط تحصیل زنان در انگلستان قرن نوزدهم و حضور اجتماعی آنان با فرهنگی شدن روابط آنها در جامعه (عدم قرار گرفتن آن جامعه در مسیر فساد و فحشا) چیزی است که نویسنده در فصل ششم مطرح می‌کند، که نیاز به تحلیل دارد. همچنین گزیده نظرات و چینش آنها در کنار یکدیگر در متنی ایدئولوژی محور مثل این کتاب جای بررسی بیشتر دارد.

بیشتر اینکه از همین منظر، نویسنده در قید و بند کاربست اطلاعات و مستندات خود نبوده و در بسیاری از موارد به حفظ حرمت های محیط های درسی پایبندی ندارد. و عفت قلم را در نظر نگرفته است. در جای جای اثر بی‌پرده به مسایل جنسی پرداخته تا

تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ ۳۵

جایی که خواننده عمومی، مطلب را تا آخر می‌تواند پی‌گیری کند. اما طرح چنین مطالبی در کلاس درس اسباب هزل و خنده با محوریت خدشه دار کردن فرهنگ عمومی است. چنانکه در فصل ۶ بویژه نویسنده یک خود جابجای دارد که در فرجام آنچه می‌ماند لا قیدی خواهد بود (صص ۱۸۴-۱۷۱) از این صفحه به بعد خواننده کم تجربه می‌ماند که: فاصله‌ای است که همیشه باید طی شود تا به فرنگ رسید. (صص ۱۸۴-۱۹۵) یعنی کار و سطح عمومی پیشرفت در ساحت فرهنگ، فرنگ است و را رسیدن به آن همین قرن نوزدهم است. بدین صورت نویسنده با زیرکی خاصی در موقعیت تهاجمی نسبت به فرهنگ ایرانی و اسلامی قرار گرفته است. نویسنده حتی به پاره ای باور داشت‌های ایرانی هم رحم نکرده، خواننده را در قرن نوزدهم تنها گذاشته و ماشین تمدن و فرهنگ برتر اروپا را از روی نعش وی مگذراند. آنچه از آن پس مانده و هست ایران قاجاری است که منتظر کسانی است که بیایند و او را مداوا کنند. که البته آن طبیب این نویسنده است که در همه حال استخوانی لای زخم برای طولانی کردن مداوا و به تولید کار برای دیگران می‌اندیشد.

«تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار»

مؤلف: دکتر محمد باقر وثوقی

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۴

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۵۹۱

پیوسته در دهه‌های اخیر خلیج فارس به عنوان مسئله اساسی در میدان دید محققین قرار داشته است این از آن جهت نیز بوده که کشورهای مختلف در سواحل آن داعیه‌های مختلفی در راستای منافع خود و برخی کشورهای فرا منطقه‌ای مطرح کرده‌اند. چنانکه چنین رویه‌ای همه این کشورها را در کنار دیوار بلند بی‌اعتمادی سردرگم کرده و زمینه ساز رفتارهای مغرضانه و خطرناکی را فراهم نموده است از این جهت حداقل از دهه چهل (۶۰ میلادی) در قطب‌های علمی ممالک همجوار در منطقه خلیج فارس به فراخور حال و اهداف خود دست به تولید متون زده‌اند. گو اینکه چنین اقداماتی در عرصه فرامنطقه‌ای برای صاحبان نفوذ نیز وسیله هیجان و تیرگی در فضای علمی - تحقیقاتی خلیج فارس شده است. پس از انقلاب اسلامی و بویژه در دهه اخیر (۱۳۹۰ - ۱۳۸۰) با اوج گیری تعارضات سیاسی و ادعاهای واهی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در ایران عزمی درست در تاسیس و راه اندازی رشته‌های درسی مرتبط با خلیج فارس ظهور یافته و دانشگاه‌های مختلف متولی آن شدند. پی آمد آن ضرورت تالیف متون علمی جهت تدریس بیشتر خودنمایی کرد. در سالهای اولیه این دهه صرفاً درسی دو واحدی برای رشته‌های تاریخ و علوم سیاسی در نظر گرفته شد. اما

۳۸ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

از آن پس که توسعه این موضوع در قالب تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد) عملیاتی گردید، سرفصلهای متعددی جهت تدریس در نظر گرفته شد که بی شک بسیار فراتر از مرحله اول یعنی تنها یک درس در قالب خلیج فارس بود. کتاب حاضر در واقع پاسخی بود به ضرورت دوره اول تا پیش از تشکیل رشته‌های دانشگاهی در سطح کارشناسی ارشد تحت عنوان خلیج فارس شناسی.

کتاب حاضر را می‌توان در قالب دو بخش مورد ارزیابی قرارداد:

الف) بررسی کیفی

کتاب با ادبیاتی قابل فهم و روان تنظیم یافته است. این شیوه در سراسر کتاب به طور کم و بیش یکدستی رعایت شده چنانکه دانشجویان و سایر خوانندگان می‌توانند به راحتی با متن ارتباط برقرار کنند. این شیوه نقل روایت تا حدود زیادی برگرفته از روش توصیفی نویسنده در باب موضوع است. به نظر می‌رسد متن کتاب پس از نگارش تا حدودی مورد ویرایش قرار گرفته و بدین صورت جملات و پاراگراف‌ها به نحو مطلوبی در کنار هم مفهوم سازی کرده‌اند. از اینرو، همچنین اغلاط املایی در این نوشته کمتر به چشم می‌خورد. از سوی دیگر صفحه آرایی و صحافی نیز به تبع به نحو شایسته‌ای صورت گرفته است. طرح روی جلد هم گویای محتوای متن است؛ یعنی نقشه خلیج فارس بر روی اثر نشان دهنده دایره جغرافیایی مورد بحث در این کتاب است. بنابر قول نویسنده این کتاب برای درس دو واحدی در نظر گرفته شده که با توجه به حجم و تنوع موضوعات از این جهت می‌توان گفت کتابی با ۵۹۱ صفحه بسیار فراتر از یک درس دو واحدی که معمولاً حدود ۲۵۰ - ۲۰۰ صفحه است، می‌باشد.

ب) بررسی محتوایی

در این قسمت می‌توان این کتاب را از چند جهت مورد ارزیابی قرار داد:

۱- در همه حال خواننده این اثر در گام اول با کاربری نسبتاً وسیعی از اصطلاحات خلیج فارس شناسی روبرو می‌شود که نویسنده در جای جای اثر به شرح و توضیح آن پرداخته است. با نگاهی به فهرست مطالب می‌توان گفت که این کتاب حاوی اطلاعات زیادی است که خواننده می‌تواند در یک مجموعه به آن دسترسی پیدا کند. در عین حال از آن

تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار ۳۹

جهت که پایه کتاب حاضر بر مبانی جغرافیای سیاسی نهاده شده به نظر می‌رسد که وجود نقشه‌ها و در پاره‌ای موارد جداول، می‌توانست به بهره‌دهی کار بیشتر کمک نماید. ۲- بی شک مولف در مهندسی این کتاب زحمات زیادی متقبل شده است. اما گستردگی کار در درجه نخست موجب بر هم خوردگی سرعنوانها و عدم تناسب رتبه بندی (حرفی و یا عددی) آنها شده است. بنابراین در نگاهی تحلیلی به فهرست و متن می‌توان دید که نوعی عدم توزین و تعادل در فصول و زیر مجموعه‌های آنها وجود دارد که این در نگارش طولی تاریخ پیش آمده است. به بیان دیگر، برای مثال تا فصل نهم عنوانها آن چنان گسترده است

که محتوا نمی‌تواند با آنها همپوشی داشته باشد. به نظر می‌رسد این هم بدلیل قلت منابع بوده و هم خارج از حیطه تخصصی نویسنده.

چنانکه در قسمت «ه» فصل هشتم: «حمله مغولان و تاثیر آن بر تجارت دریای خلیج فارس» مطلبی است که علی‌رغم وجود دعای بزرگ مولف برای آنها ارجاعی دیده نمی‌شود و اساساً مطلب با حذف واژه مغولان در خلیج فارس می‌تواند برای هر دوره و هر جای ایران صادق باشد. این شکل نگارش و مشکل عدم انطباق محتوا با عنوان معمولاً در نگر طولی که نیاز به تسلسل و پیوستگی دارد دیده می‌شود. چرا که نویسنده برای حل مشکل متن دست به کلی انگاری می‌زند.

از سوی دیگر چون این اثر بر اساس قراردادی با «سمت» برای متن درسی تدوین یافته، نویسنده سعی وافرری جهت پوشش سرفصلها داشته و است. اما به نظر می‌رسد موضوع گسترده‌ای در قالب درس دو واحدی حداقل نشان از عجله و عدم دقت لازم برنامه ریزان در اوایل دهه ۸۰ دارد. شاید ضعف عمده کتاب ناشی از پاسخگویی نویسنده به سرفصلهای متنافر درس هم بوده است. از این رو باید متذکر شد که بازنگری سرفصلهای این درس ضرورت دارد. اگر چه این کتاب در زمان تولید حاوی نوآوری‌هایی بوده است ولی با توجه به گذر زمان و تاسیس رشته خلیج فارس شناسی در سطح کارشناسی ارشد در دانشگاههای مختلف کشور، ضرورت جرح و تعدیل و بروز نمایی متن بیشتر آشکار می‌شود چه تاریخ مصرف متن به صورت حاضر رو به انقضا است. از این جهت توصیه می‌گردد که پاره‌ای فصول مقدماتی تا پیش از دوره معاصر تنها در یک فصل کلی بیاید و سایر تبویبها نیز با عمق بیشتری ارائه گردد. چنانکه

۴۰ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

فصل هفدهم که در واقع هسته سخت کتاب است باید بیش از همه مورد توجه و گسترش قرار گیرد.

۳- تعدد بهره‌گیری از منابع مختلف نشانه اطلاع و دسترسی نویسنده به منابع گوناگون در حیطه تاریخ‌نگاری خلیج فارس است. این موجب شده که بخش انتهایی کتاب در زمینه منابع بهترین بخش تحقیقی آن باشد که جا دارد مولف گرامی در بخش مقدماتی به ارزیابی و اعتبار سنجی آنها بپردازد. در هر بخشی مولف تلاش دارد که اساسی‌ترین متون ارجاعی را مورد بهره‌برداری قرار دهد و یا ذکری از آن به میان آورد. این پدیده اگر چه در طول کار یکدست نیست ولی آنچه که به چشم می‌خورد در خور توجه و استفاده است.

از آنجا که نظام ارجاع دهی در حقیقت به طور مستقیم به نحو مستند سازی متن باز می‌گردد، در اینجا چند نکته در باب این کتاب شایان ذکر است: a. در پاره‌ای موارد نویسنده خواسته یا ناخواسته در متن از منابع نام می‌برد که در قسمت منابع ذکری از مشخصات آن اثری نیست. (ص ۳۹۴)

b. و یا اینکه در جای جای اثر ممکن است نویسنده چندین صفحه را به یک منبع ارجاع داده باشد که چگونگی و سهم مولف از متن مشخص نیست. (صص ۳۹۴ - ۳۸۹)

c. و یا در مواردی نویسنده خیلی کلی ارجاع داده که با توجه به صفحات ارجاعی منابع ممکن است در جورچین مطالب دقت کافی را نکرده باشد. (صص ۴۶۲ - ۴۵۸) اما آنچه با عنوان «برای آگاهی بیشتر» در ارجاعات سراسر کتاب دیده می‌شود نیز در همین رده گنجانده می‌شود. با توجه به اهداف اعلامی کتاب که دلیل تولید آن برای دانشجویان کارشناسی و یا حداکثر برای خوانندگان غیر حرفه‌ای تنظیم یافته این گونه مستند سازی ضرورتی ندارد. چنانکه ارجاعات لاتین در متن جهت آگاهی بیشتر نه تنها برای دانشجویان بلکه برای اساتید فن هم آنچنان مثر ثمر نبوده و گاه شائبه ترجمه را متبادر می‌کند. D. در باب تعداد قابل توجهی از نقل‌های مستقیم و غیر مستقیم باید گفت در مراجعه به صفحات و یا آدرس‌های داده شده اثری از مطلب نبود. از جمله برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ص ۵۰ ارجاع ۲، ص ۱۵۲ در ارجاع به کتاب اخبارالطوال ص ۱۲۶ نه در عربی و نه در ترجمه آن مطلب وجود نداشت، ص ۸۰ ارجاع به لسترنج دیده نشد. در این زمینه قویا توصیه می‌شود که مولف گرامی دست به

تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار ۴۱

تصحیح کامل بزند. همچنین توصیه می‌شود بسیاری از پاورقی‌ها در یک تکالیفی در این سطح ضرورتی ندارد و در چاپ‌های بعدی کسر گردد.

در خاتمه چند توصیه دیگر می‌تواند در غنای اثر مفید باشد:

۱. تقلیل بخش باستان و دوره میانه و گسترش هسته سخت اثر در راستای تنش زدای حایز اهمیت است.

۲. لازم است در پایان کار نویسنده محترم خوانندگان را با نتیجه‌ای تحلیلی به مقصد برساند.

۳. تهیه نمایه‌های مختلف از جمله عام و تخصص برای این کتاب بسیار حیاتی است.

۴. تحلیل منابع با تمرکز بر منابع اولیه بویژه برای اهداف آموزشی بسیار ممتع است.

«تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری»

مؤلف: آدام متز

مترجم: دکتر علیرضا ذکاوتی قراگوزلو

ناشر: امیر کبیر

سال نشر: ۱۳۸۸

نوبت چاپ: چهارم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۶۲۰

این کتاب توسط آدام متز شرق شناس سوئیسی در آغازین سالهای قرن بیستم به زبان آلمانی نگاشته شده است (متوفی ۱۹۱۷ م) و بعدها مورد توجه محققان مسلمان واقع گردید و از توضیحات و پاورقی‌های لازم و تکمیلی در زبان عربی برخوردار شد. مقارن با انقلاب اسلامی ایران به زبان فارسی توسط فاضل ارجمند آقای علیرضا ذکاوتی قراگوزلو ترجمه و ابتدا در دو مجلد و سپس به تازگی در یک مجلد توسط انتشارات امیرکبیر به زینت چاپ آراسته گردید. نکته حائز اهمیت در این کتاب، تکیه بر روزگاری از تاریخ سرزمین‌های اسلامی (یعنی قرن چهارم هجری یا دهم میلادی) است که کمتر از سوی محققان بدان پرداخته شده بود. نگاه تیز بین مولف اگر چه منطبق بر تمامی منابع فرهنگ و تمدن اسلامی نیست، لیکن به زیبایی تلاش نموده است تا به جاذبه‌های فرهنگی و تمدنی خلافت اسلامی خاصه در مرکزیت بغداد و قاهره توجه نماید. اگر چه مولف محترم به نوآوری تازه‌ای در این زمینه دست نیازیده است اما کوشش فراوانی جهت تبیین و تدوین برخی ساختارهای برجسته تمدنی در سرزمین‌های

۴۴ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

اسلامی به خرج داده است. نگرش مولف بیشتر واقف کلیات امور است تا جزئیات قابل بررسی. رویکرد منقول در بیان حوادث، مولف پرتلاش را فارغ از نگاه نقادانه ساخته و او را از نقد و تمییز مباحث نامرتبط به همدیگر بازداشته است.

بیشتر داده‌های تاریخی این کتاب مبتنی بر یک منبع تاریخی است و از تجمیع و نقادی دیگر منابع نسبت به یک حادثه به دور مانده است. لذا اگرچه نسبت به حوادث و رخداد‌های تاریخی مطروحه در این کتاب نمی‌توان شک نمود، لیکن از قبول و حجیت مباحث و نتیجه‌گیری‌ها باید اجتناب نمود (مثلاً صفحه ۷۸).

بسیاری از مباحث مطروحه در این کتاب، در جوار دلنشینی و جاذبه مناسب، با شالوده‌های اسلامی مغایرت دارد. مثلاً هنگامی که در صفحه ۱۸۹ مستقیماً به میثی با نام بردگان می‌پردازد و در صفحات چندی به تبیین این اصطلاح نادرست در فرهنگ و قلمرو اسلامی می‌پردازد (حدافل می‌توانست از واژه بنده استفاده شود و توضیحات متعادل‌تری نسبت به این عده اشاره گردد)، نمی‌توان به پذیرش این مطلب پرداخت. یا آنچه در تبیین ناصحیح از آراء و اندیشه‌های شیعی، مولف به حاشیه رفته و اظهارات سطحی ارائه می‌کند، تا جائی که در صفحه ۲۳۱ این نگرش به تجزیه و تحلیل تازه‌ای ورود پیدا می‌کند.

مولف محترم حتی در تدوین این کتاب، تنها به حوزه جغرافیایی خاصی اشاره داشته و از اشاره به بسیاری از دیگر سرزمین‌های اسلامی بازمانده است. چنانکه کمتر از سرزمین خراسان و کرمان و هیچ مطلبی از سرزمین‌های آنسوی جیحون نمی‌آورد. در جغرافیای سرزمین‌های اسلامی، تنها مرکز ثقل دیار اسلامی تنها بغداد و قاهره مطرح شده است و نسبت به سرزمین‌های دیگر، مباحث مغفول مانده است.

همچنین مولف در تبیین نگرش‌های مذاهب و اقلیت‌های مذهبی، تنها به ذکر محدودی از نحله‌ها و مشرب‌های دینی اشاره می‌کند و از اشاره به بسیاری طریقت‌ها حتی در نام بردن از آنها نیز بازمانده است. حتی در این فقط به ذکر نام و عملکرد برخی از معاریف سیاسی همانند وزیران می‌پردازد و از مهمترین وزرای قرن چهارم در میان ولایات اسلامی غافل مانده است. رسوم دارالخلافة از نگاه این مولف تنها به سجایا و برخی از مفروضات برخی از مورخان یا ادیبان محدود می‌شود و نگرشی سطحی را ارائه می‌نماید. بنابراین مولف پرتلاش این کتاب، اگر چه دامنه وسیعی از مباحث و مطالب را پیرامون کانونهای اجتماعی و سیاسی دنیای اسلام در قرن چهارم هجری اشاره می‌کند لیکن

تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری ۴۵

وسعت مباحث و دامنه گسترده این مطالب باعث گردیده است تا از تعمق هرچه بیشتر در این مطالب بازماند. ذکر پیاپی منابع و پاورقی‌های وسیع، هرچند خواننده‌ی کنجکاو را غافلگیر و متحیر می‌سازد، اما نگرش نقادانه به مطالب را از کف می‌دهد. هر موضوع در کمتر از چند صفحه، مطرح و نتیجه‌گیری می‌شود و این با روح تحقیق، مقایسه منابع و مطابقت مطالب و تحلیل علمی منافات دارد.

موضوعات مورد بحث در این کتاب اگرچه از جامعیت و سلاست و روانی لازم برخوردار است و منابع به جهت تایید مطلب نیز به وفور در آن به چشم می‌خورد، لیکن از یک تقسیم بندی جامع از موضوع بندی و یا تقسیم بندی در حیطه تمدنی بیرون است. اگر مولف می‌توانست در یک تقسیم بندی روشن به ذکر تمامی زوایای تمدنی جامعه اسلامی بپردازد، به سان مباحث این کتاب فقط به تک موضوعات جزیره‌ای و پراکنده بسنده نمی‌شد. چنین موضوعی یقیناً می‌باید در طی چندین جلد کتاب تدوین می‌شد و گستردگی آن تنها به یک جلد ششصد صفحه‌ای اکتفا نمی‌شد. چنین موضوعی نیاز به یک تحقیق وسیعتر و عمیقتر دارد. تحقیقی که بتواند جامعیت به سان تمدن آن هم در سیطره قلمرویی وسیع همچون تمدن اسلامی را در طی یک قرن در برگیرد. اما با تمام این احوال به جهت برخورداری دانشجویان تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، که فرصت پرداختن و مطالعه چندین جلد مطوّل و سنگین را ندارند، این تألیف مناسبت لازم را پیدا نموده است. لذا تناسب مناسبی را از جهت حجم با تعداد واحدهای درسی یافته است. در عین اینکه از جهت گیری علمی، فلسفی، اجتماعی و اخلاقی ویژه نیز خارج است.

از نکات قوت این کتاب، کیفیت بالای ترجمه از جهت روانی و انعکاس دقیق منابع و شواهد مورد استفاده‌ی مولف می‌باشد. ناشر محترم نیز با حروف نگاری دقیق، صفحه آرائی و صحافی و طرح جلد مناسب و پاورقی و پی‌نوشت‌های مناسب و لازم بر میزان استفاده هرچه بیشتر خوانندگان افزوده است.

«نخستین مسلمانان در اروپا»

مؤلف: برنارد لویس

مترجم: دکتر محمد قائد

ناشر: نشر مرکز

سال نشر: ۱۳۷۴

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۴۷۴

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم که آثار مستشرقان بیشتر رنگ انصاف و حقیقت‌جوئی به خود گرفت، عرضه‌ی آثاری که به مدد آنها بتوان به دور از غرض‌ورزیها با گوشه‌هایی از فرهنگ و تمدن سرزمینهای اسلامی آشنا شد حجمی قابل توجه یافت. گرچه برنارد لویس را به دلیل مواضع صهیونیستی‌اش نمی‌توان در شمار مستشرقان منصف شمرد، ولی پاره‌ای از آثار او لاف از خصوصتهای آشکار نسبت به مسلمانان و گذشته‌ی تمدنی آنها خالی است. بی‌تردید کتاب **نخستین مسلمانان در اروپا** را می‌توان در زمره‌ی این آثار شمرد.

معرفی کتاب

چاپ اول این کتاب تک جلدی که از سوی آقای محمد قائد ترجمه شده است، در سال ۱۳۷۴ از سوی نشر مرکز روانه‌ی بازار شده و چاپ دوم آن هم در سال ۱۳۸۹ در ۴۷۴ صفحه و در قطع وزیری برای اولین بار از سوی نشر کارنامه شمارگان ۲۲۰۰ نسخه

منتشر شده است. این کتاب در رشته‌های "تاریخ" و "تاریخ و تمدن ملل مسلمان" به ویژه برای درس‌هایی مثل "تاریخ اروپا" و "مطالعات اسلامی در غرب" به کار می‌آید. روشن است که این کتاب برای تدریس مناسب نیست، چون نه با این رویکرد نوشته شده است و نه درسی متناظر با محتوای آن در میان دروس رشته‌ی تاریخ وجود دارد. ولی شناخت کتاب و مطالعه‌ی آن برای کلیه دروسی که به شکلی روابط تاریخی شرق و غرب را مد نظر دارند سودمند است.

رویکرد حاکم بر این کتاب را در کتاب‌هایی مانند "نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب" نوشته‌ی مرحوم عبدالهادی حائری که در سال ۱۳۷۲ش. از سوی انتشارات امیرکبیر به چاپ رسید می‌توان دید ولی دامنه‌ی منابع و پهنه‌ی جغرافیایی مورد توجه برنارد لوییس در این کتاب، این اثر را به نوشته‌ی بی‌بدیل و ممتاز در نوع خود تبدیل کرده است. در صفحه‌ی عنوان کتاب این عبارت "چاپ اول ویراست دوم" دلالت بر تغییراتی در چاپ دوم نسبت به چاپ اول دارد، ولی نه مترجم و نه مؤلف در مقدمه خود بر چاپ دوم به هیچ تغییری نسبت به چاپ اول اشاره نکرده‌اند.

کتاب با صفحه عنوان، سه عکس رنگی از نقاشی‌های مرتبط با موضوع کتاب، صفحه‌ی تقدیم و فهرست آغاز می‌شود و سپس پیش از شروع فصول سه بخش یادداشت مترجم بر چاپ دوم، پیشگفتار مؤلف بر چاپ دوم و پیشگفتار مؤلف بر چاپ اول در برابر خواننده قرار می‌گیرد و پس از یازده فصل و یک بخش مستقل با عنوان "نتیجه‌گیری" پنج بخش نیز به این شرح در پایان کتاب قرار دارد: یادداشتها، شرح تصاویر، پیوسته‌های مترجم؛ شامل: درباره‌ی مؤلف این کتاب، مصاحبه با برنارد لوییس و نمایه. یادآور می‌شود کتاب فاقد فهرست منابع است و منابع کتاب در قالب و در خلال ارجاعات شده است. کتاب جمعاً دارای ۳۰ تصویر است که پنج تای آن از سوی ناشر متن فارسی و بقیه به همت مؤلف به کتاب افزوده شده است. در کنار بیشتر مدخل‌های نمایه، توضیحی کوتاه درباره‌ی آن مدخل آمده است. فهرست فصول یازده‌گانه کتاب با مروری بر اهم مطالب آنها چنین است:

- فصل اول: تماس و تأثیر - درباره‌ی درگیری‌های نظامی مسلمانان با سرزمین‌های مسیحی‌نشین به ویژه اروپاییان.

نخستین مسلمانان در اروپا ۴۹

- **فصل دوم:** نگاه مسلمانان به جهان - درباره‌ی مفهوم دار الکفر و دار الحرب و تلقی مسلمانان درباره‌ی سرزمینهای غیرمسلمان‌نشین به ویژه اروپا.
- **فصل سوم:** در باب زبان و ترجمه - درباره‌ی بی‌علاقگی مسلمانان به فراگیری زبانهای اروپایی و آشنایی تدریجی آنها با این زبانها.
- **فصل چهارم:** ابزار ارتباط و عوامل ارتباط دهنده - درباره‌ی عوامل بازدارنده‌ی مسلمانان از سفر به سرزمینهای اروپایی و تماس نزدیک با غربیها و نفوذ و حضور فزاینده‌ی غربیها در دستگاه خلافت عثمانی و فرستاده‌های درباره‌ی مسلمانان به کشورهای اروپایی.
- **فصل پنجم:** دانش مسلمانان درباره‌ی مغرب‌زمین - درباره‌ی گزارشهای مربوط به مغرب‌زمین در منابع تاریخی و جغرافیایی مسلمانان با تکیه بر منابع عصر عثمانی.
- **فصل ششم:** دین - درباره‌ی تأثیر دین در نگاه مسلمانان به غرب و باور مسلمانان درباره‌ی باورهای دینی غربیان و تهدیدات غرب برای دین مسلمانان.
- **فصل هفتم:** اقتصاد: تصورها و تماسها - درباره‌ی نگاه مسلمانان به وضعیت اقتصادی مغرب‌زمین و نوع کالاها در روابط اقتصادی مسلمانان و اروپاییان به نگاهی ویژه به تجارت بردگان، سلاح، پارچه و توتون.
- **فصل هشتم:** دولت و قضاوت - درباره‌ی نگاه مسلمانان به ساختار سیاسی دولت‌های اروپایی و القاب حاکمان و پاره‌ای مفاهیم بنیادی سیاسی مانند جمهوریت و نیز نظام دادرسی در مغرب‌زمین.
- **فصل نهم:** علوم و فنون - درباره‌ی نگاه مسلمانان به علوم و فنون رایج نزد اروپاییان مانند پزشکی، هنر جنگ، کشتی‌سازی، دریانوردی، ساعت‌سازی و بهره‌گیری از توان غربیها در این زمینه.
- **فصل دهم:** زندگی فرهنگی - درباره‌ی تأثیرپذیری مسلمانان از معماری، اثاثیه و تزیینات غربیها و نگاه مسلمانان به هنر نقاشی غربیها و تأثیرپذیری از آنها و نیز گزارشهایی درباره‌ی اپرا، نمایش و موسیقی غربیها در نوشته‌های مسلمانان.
- **فصل یازدهم:** احوال شخصی و امور اجتماعی - درباره‌ی گزارشهای مسلمانان درباره‌ی پاره‌ای عادات غربیها مانند تراشیدن ریش، چگونگی استحمام، لباس زنان و مردان، اختلاط زنان و مردان و آزادی زنان.

۵۰ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

اگر نگاهی کلی به جنبه‌های شکلی و محتوایی کتاب افکنده شود، شاید بتوان در قالب محورهای مورد نظر شورای بررسی متونموردی را به شرح زیر به عنوان نقاط مثبت و نکات قابل تأمل کتاب برشمرد.

جنبه‌های مثبت شکلی و محتوایی کتاب

• روان و رسا بودن زبان ترجمه کتاب برای مخاطب دانشگاهی و تحصیل کرده

– افزون بر مناسب بودن حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد کتاب، قلم آن نیز در نگاهی کلی، با توجه به پیشینه مترجم محترم، در غایت روانی و رسائی است و پیچیده‌ترین مطالب هم با قلمی قابل فهم برای مخاطب دانشگاهی و فرهنگی نگاشته شده است. گرچه برای نوشتن این مختصر، متن فارسی با متن انگلیسی کتاب مقایسه نشده است، ولی می‌توان حدس زد که کتاب ترجمه کامل متن اصلی است و پای‌بندی امانت‌دارانه به متن اصلی حفظ شده است. قواعد ویرایش و نگارش فارسی هم در کتاب به خوبی رعایت شده است.

• انسجام و نوآورانه بودن کتاب – موضوع کتاب و روش تحقیق به کار رفته برای

تدوین آن را می‌توان نوآورانه نامید و همچنین یافته‌های کتاب در نوع خود بدیع و نوآورانه است و کتاب با انسجامی ستودنی مطالب خود را در فصول مختلف مطرح کرده است.

• به کار گرفته شدن مناسب اصطلاحات تخصصی در سراسر کتاب – با وجود

چند لغزش که در بخش بعد به آنها اشاره خواهد شد، کتاب به خوبی و به گونه‌ای آموزنده برای دانشجویان تاریخ اصطلاحات تخصصی تاریخی و تمدنی را به کار گرفته است. و دانشجویان این رشته‌ها با مطالعه‌ی کتاب می‌توانند با گسترده‌ای قابل توجه از این اصطلاحات آشنا شوند.

• جامعیت نسبی کتاب – با تأکید بر این که این کتاب یک متن درسی نیست و

نمی‌توان در باره جامعیت آن متناسب با هدف درس اظهار نظر کرد، باید گفت کتاب در محور اصلی مورد نظر خود یعنی واکاوی ابعاد مختلف نخستین مواجهه مسلمانان با اروپا کوشیده است نگاهی جامع داشته باشد؛ چه، پس از فصل اول و دوم که حالت مقدمه‌ی دارد مسأله‌ی زبان، ارتباطات، دین، اقتصاد، دولت، دستگاه قضا، علوم، فرهنگ و امور اجتماعی را در فصولی مجزا مورد بررسی قرار داده است. البته قلمرو اصلی مورد توجه

نخستین مسلمانان در اروپا ۵۱

مؤلف، خلافت عثمانی است و داده‌های مربوط به دیگر قلمروهای حکومتی مانند گورکانیان هند و صفویه اندک است.

• **روزآمد بودن منابع کتاب متناسب با زمان تألیف آن** - چاپ نخست کتاب به زبان اصلی در سال ۱۹۸۱م. بوده است و داده‌های کتاب را متناسب با زمان چاپ آن یعنی سی سال پیش می‌توان کاملاً روزآمد وصف کرد.

• **بهره‌گیری مناسب از انبوهی از منابع گوناگون تاریخی، سیاسی، فرهنگی و هنری** - هر چند کتاب فاقد فهرست منابع است ولی مروری بر ارجاعات کتاب، نشان‌دهنده‌ی تتبع فراوان مؤلف و واکاوی انبوهی از منابع گوناگون تاریخی، سیاسی، فرهنگی و هنری است. دقت متعارف و معهود مستشرقان برجسته را در استنادات و ارجاعات در این کتاب هم می‌توان یافت. و سراسر کتاب را می‌توان دلیل و شاهد آورد. همچنین این کتاب از نظر شناساندن منابعی که در بردارنده‌ی آگاهی‌هایی در باره‌ی غرب است بسیار سودمند است و فراتر از این، فصل مربوط به دانش مسلمانان در باره‌ی مغرب زمین (فصل پنجم) می‌تواند برای آگاهی از سیر تدوین کتابهای تاریخی در عصر خلافت عثمانی سودمند باشد.

نکات قابل تأمل شکلی و محتوایی کتاب

• **وجود چند لغزش کوچک در اصطلاحات و نامها** - همان‌گونه که پیش از این هم ذکر شد، در سراسر کتاب، اصطلاحات تخصصی به درستی و به خوبی به کار رفته است و در معادل سازی اصطلاحات تخصصی نیز مشکل خاصی به چشم نمی‌خورد. با این وجود، به نظر می‌رسد در چند مورد جزئی زیر، لغزشی رخ داده است که امید است در چاپهای بعد اصلاح شود. یادآور می‌شود این موارد به عنوان نمونه نیست، بلکه به احتمال زیاد همه‌ی مواردی است که می‌توان به عنوان نکات قابل تأمل ذکر کرد:

✓ ص ۲۰، تعبیر رایج و یا لااقل دارای سابقه، به جای " رابرت اهل کتون "، چنین است: " روبرت / رابرت اهل کایتان "

✓ ص ۲۰، تعبیر رایج و یا لااقل دارای سابقه به جای " پتر مقدس " چنین است: " پیتر مکرم "

✓ ص ۳۱، " بلاط الشهداء " به " شاهراه شهیدان " ترجمه شده است و ظاهراً " درگاه شهیدان " یا " بارگاه شهیدان " مناسب‌تر است.

✓ ص ۳۰۸، تعبیر رایج و اصح به جای " سینان " چنین است: " سینان "

• دو ملاحظه در باره‌ی جنبه‌ی شکلی کتاب - با وجود مناسب بودن حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد کتاب، به نظر می‌رسد این دو نکته را بتوان به عنوان نقیصه متذکر شد:

○ بسیار ریز بودن حروف صفحه عنوان کتاب (ص ۲)

○ عدم وحدت رویه در نقل قولهای مستقیم از نظر میزان حاشیه از سمت راست صفحه - در موارد متعددی نقل قولهای مستقیم داخل متن و با حاشیه یکسان با قبل و بعد درج شده است (صرفاً به عنوان یک نمونه: ص ۳۶۷) و در موارد متعدد دیگر نقل قولهای مستقیم با حاشیه بیشتر و در پاراگرافی مستقل از متن آمده است. بهتر است در این باره وحدت رویه رعایت شود، مگر این که مؤلف خود چنین کرده است و مترجم هم پایبند متن اصلی باقی مانده باشد که در این صورت بهتر بود مترجم این نکته را در مقدمه تذکر می‌داد.

• عدم انطباق محتوای کتاب با عنوانی که مترجم محترم به جای عنوان اصلی برای کتاب به کارگرفته است - در باره انطباق محتوای اثر با فهرست مطالب آن مشکلی وجود ندارد، ولی در باره انطباق محتوای کتاب با عنوان آن، آن چه از این عنوان به ذهن تبادر می‌کند، گزارشی در باره حضور نخستین مسلمانان در مغرب زمین است و حال آن که کتاب بیش از آن که در این باره باشد، در باره نخستین مواجهه‌های مسلمانان با غرب هر چند در قالب حضور غربیان و آثار تمدنی آنها در سرزمینهای اسلامی است. لذا به نظر می‌رسد عنوان اصلی کتاب یعنی *The Muslim Discovery of Europe* که مترجم خود در ص ۴۱۳ آن را به صورت " کشف اروپا از سوی مسلمانان " ترجمه کرده است عنوانی رسا، گویا و منطبق با محتوای کتاب است و ای کاش مؤلف همان عنوان اصلی را برمی‌گزید و آن را تغییر نمی‌داد.

• عدم انطباق محتوا و عنوان " در باره‌ی مؤلف این کتاب " - در بخشی که با عنوان " در باره‌ی مؤلف این کتاب " به عنوان بخش اول " پیوسته‌های مترجم " در ص ۲۱۳ تا ۲۱۶ آمده است، بخش عمده مطالب یعنی مطالب ص ۲۱۴ و ۲۱۵ مربوط به گزارشهایی است که از این کتاب در نشریات مختلف چاپ شده است و نمی‌توان جز با مسامحه آن را مربوط به معرف مؤلف شمرد و سزاوار بود که این مطالب با عنوانی مستقل مثل " در باره‌ی این کتاب " آورده شود.

نخستین مسلمانان در اروپا ۵۳

• وجود چند گزاره‌ی شایسته‌ی نقد در بخش نتیجه‌گیری کتاب - هر چند در این کتاب با توجه به موضوع آن، مجال زیادی برای ابراز جهت‌گیری‌های فلسفی وجود ندارد و در مسائل اخلاقی نیز حتی مطالب مربوط به احوال شخصی و امور اجتماعی در فصل ۱۱، بدآموزی ندارد. ولی در بخش نتیجه‌گیری کتاب این جملات شایسته‌ی نقد به نظر می‌رسد:

• ص ۳۶۹: احساس بی‌زمانی، که هیچ چیز واقعاً عوض نمی‌شود، وجه مشخصه‌ی نوشته‌های مسلمانان در باره‌ی اروپا و در واقع نوشته‌هایشان در باره‌ی همه‌ی زمانها و مکانهاست.

این داوری عام در باره‌ی همه‌ی نوشته‌های مسلمانان دور از انصاف به نظر می‌رسد. اندیشه‌ی تغییر و تحول در بسیاری از آثار تاریخی مسلمانان مشهود است و چه بسا نگارش گونه‌ای از زندگی‌نامه‌ها با عنوان طبقات را هم باید محصول این نگاه شمرد. شاید این برداشت مؤلف قابل قبول باشد که نوشته‌های مسلمانان در باره‌ی غرب اغلب بدون تغییر بوده است ولی عامل آن بی‌تردید احساس بی‌زمانی به معنای آن که هیچ چیز واقعاً تغییر نمی‌کند نیست و ریشه‌ی آن را در مسائلی مانند احساس بی‌نیازی مسلمانان نسبت به غرب و یا کافر شمردن آنها باید جستجو کرد.

• ص ۳۷۴: با پیشروی سپاهیان مسلمانان عرب و رسیدنشان به تمدنهایی به دورافتادگی و به گونه‌گونی اروپا و هند و چین، دنیای اسلام هم به اکتشافاتی نائل آمد. با دستیابی به دانش یونانی و تا حد کمتری ایرانی در قرون اولیه اسلام، رنسانس خویش را هم داشت. اما اینوقایع همزمان نبود و با سست شدن قید و بندهای الهیات همراه نشد. رنسانس اسلام زمانی اتفاق افتاد که توسعه‌ی اسلام پایان یافته و ضد حمله‌ی مسیحیت آغاز گشته بود. ... قرن‌ها شکست و عقب‌نشینی لازم بود تا مسلمانان حاضر شوند این دید از جهان وجایگاه خویش در آن را تغییر بدهند و با حالتی جز تحقیر به غرب مسیحی بنگرند.

با فرض صحت ترجمه این جمله، باید گفت واژه‌ی رنسانس به مفهوم نوزائی دارای یک بار ایجابی است و الزاماً با سست شدن قید و بندهای الهیات پیوند نخورده است. پیوند زدن رنسانس با سست شدن قید و بندهای الهیات و پایان یافتن توسعه‌ی اسلام و عقب‌نشینی و شکست مسلمانان می‌تواند این ایهام و حتی دلالت را داشته باشد که

۵۴ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

گویی توسعه‌ی اسلام با رنسانس و زایش تمدنی ناسازگار است و یا لااقل می‌تواند حکایتگر این نکته باشد که مؤلف محترم مفهوم رنسانس را دقیقاً به همان مفهومی که در غرب به کار می‌رود و بدون توجه به تفاوت‌های فراوان شرق اسلامی و مغرب زمین به کار برده است.

• ص ۳۷۵: اسلام از زمان ظهورش در عربستان در قرن هفتم، درگیر کشمکش تقریباً دائمی با مسیحیت بود، در فتوحات اولیه و فتوحات مجدد مسیحیان، در جهاد و در جنگ صلیبی، در پیشروی عثمانی و در توسعه اروپا.

این سخن نیز قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. آموزه‌های قرآنی نگاهی مثبت به مسیحیت را لااقل در مقایسه با یهودیان نشان می‌دهد. نوع رابطه‌ی مسلمانان با مسیحیان داخل شبه جزیره‌ی عربستان و به ویژه مسیحیان حبشه بیش از آن که حکایتگر کشمکش باشد نشان‌دهنده‌ی کشش و جاذبه و محبت و رابطه‌ی صمیمانه است.

• وجود چند عبارت گنگ در متن کتاب - به نظر می‌رسد بهتر آن بود که در این چند مورد اندک، ترجمه روان‌تر و یا همراه با توضیح در پاورقی باشد:

• ص ۲۱۸: هندوها و بوداییهای آسیا دور از دسترس‌تر از آن بودند که بر ادراکات و معانی جوامع اسلامی خاورمیانه و مدیترانه تأثیر چندانی بگذارند.

• ص ۲۸۱: افزوده بر این، هجوم مغول ...

• ص ۲۸۸: جدا از تسلیحات و دریانوردی، در هنر مفید دیگری هم می‌شد از اروپا چشم کمک داشت: دانش پزشکی.

• ص ۳۰۴: مفتی اعظم ... در فتوایی وقف شناخته شدن این کتابخانه را مجاز ندانست.

• روز ۱۲ ماه فراکتیدور سال ششم، مطابق با ۲۹ اوت ۱۷۹۸....

جمع‌بندی و چند پیشنهاد

این کتاب یک متن درسی نیست اما به دلیل اهمیت محتوای آن شایسته است که مطالعه‌ی آن را به عنوان یک متن کمک درسی به دانشجویان توصیه کرد. محتوای این کتاب، صرف نظر از گرایشهای سیاسی مؤلف آن و با وجود تأملاتی که در باره‌ی برخی گزاره‌های آن وجود دارد و مهمترین آنها در بخش قبل ذکر شد، رویکردی منفی نسبت به ارزشهای اسلامی و باورهای دینی ندارد و نمی‌توان آن را از این جنبه، دارای ابعاد مخرب شمرد. با توجه به موضوع کتاب، روشن است که محتوای این اثر ناظر به نظام

نخستین مسلمانان در اروپا ۵۵

جمهوری اسلامی نیست و جز یک مورد آن هم در مصاحبه‌ای که از سوی مترجم به عنوان پیوست به کتاب افزوده شده است مطلبی در باره جمهوری اسلامی در کتاب وجود ندارد. مطلب مذکور در مصاحبه هم که ظاهراً در اواسط جنگ تحمیلی صورت گرفته در باره طولانی شدن جنگ است و دربردارنده‌ی اظهارنظری نفیاً یا اثباتاً در باره جمهوری اسلامی نیست. در مقابل، کتاب به ویژه از این نظر نشان دادن روش پژوهش در موضوعاتی از این دست می‌تواند کتابی سازنده به شمار رود. کتاب همچنین این نگاه متداول را که مسلمانان تا پیش از دوران معاصر در جهل کامل نسبت به غرب به سر می‌بردند نفی می‌کند و نشان می‌دهد که همواره آگاهی‌هایی هر چند ناقص در باره غرب در منابع اسلامی وجود داشته است.

با توجه به متن درسی نبودن این کتاب، نمی‌توان و نباید انتظار داشت که چاپهای بعدی کتاب مطابق استانداردها و معیارهای متون درسی به چاپ برسد، ولی به نظر می‌رسد اگر اصلاحات جزئی پیشنهادی زیر از سوی مترجم و یا ناشر در چاپهای بعد در نظر گرفته شود، بر ضریب سودمندی این کتاب برای کلیه دروسی که به شکلی روابط تاریخی شرق و غرب را مد نظر دارند، افزوده خواهد شد:

- افزودن چند نقشه در باره‌ی نقاط تماس سرزمینهای اسلامی با مغرب زمین در ادوار مختلف تاریخ.
- افزودن جمع‌بندی فصول به پایان هر یک از فصلها.
- تهیه‌ی فهرست تفصیلی برای کتاب که لازمه‌ی آنها محوربندی فصول کتاب در حاشیه‌ی صفحات و بدون دست بردن در متن است.
- رعایت وحدت رویه در چگونگی نقل قولهای مستقیم.
- استفاده از حروف با اندازه‌ی بزرگتر در صفحه‌ی عنوان کتاب.
- تفکیک بخش عمده مطالب ذیل عنوان "در باره‌ی مؤلف این کتاب" (صص ۲۱۴ - ۲۱۵) و قرار دادن آن ذیل عنوانی مستقل مثل "در باره‌ی این کتاب".
- جا به جا کردن عبارت گنگ کتاب که در بند قبل به آن اشاره شد با عبارات روشن‌تر.

«تاریخ بیداری ایرانیان»

نویسنده: نظام الاسلام کرمانی

ناشر: کتاب آگاه با همکاری انتشارات لوح

سال نشر: ۱۳۷۵

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۴۰۰

۱- مشخصات اثر

تاریخ بیداری ایرانیان ۲ جلد، به قلم ناظم الاسلام کرمانی، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، ناشر کتاب آگاه با همکاری انتشارات لوح در حدود ۱۴۰۰ صفحه با فهرس، مقدمه و ...

۲- نویسنده اثر ابعاد و ویژگیهای شخصیتی و سیاسی او

۱-۲- میرزا محمد کرمانی

۲-۲- ملقب به نظام الاسلام

۳-۲- از نویسندگان و مورخان بزرگ انقلاب مشروطیت است و اثر وی از منابع مهم تاریخ انقلاب مشروطه بشمار می آید.

۴-۲- نویسنده ناظر و شاهد بخش عمده‌ای از حوادث انقلاب مشروطه بوده است.

۵-۲- دارای رویکردی تجددگراست

۶-۲- علاقه مند به اندیشه اتحاد اسلام بوده است.

۷-۲- از مریدان و علاقه مندان سیدجمال الدین اسدآبادی بوده

۵۸ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

۲-۸- از هواداران آیت الله سید محمد طباطبایی و از دوستان آقای سید محمد صادق طباطبایی فرزند آیت الله طباطبایی است.

۲-۹- مدیر مدرسه جدید التأسیس «اسلام» در عصر مشروطه بود. این مدرسه توسط آیت الله سید محمد طباطبایی به سبک نوین ایجاد شد. آقا سید محمد طباطبایی به عنوان یکی از پیشکسوتان بزرگ روحانیت از ارکان مهم انقلاب مشروطیت بودند، یکی از اقدامات وی و از جمله آرزوهایش در جهت ایجاد روشنگری و بالابردن سطح آگاهی‌های اجتماعی مردم تأسیس مدرسه‌ای جدید به سبک نوین بوده او این مدرسه را به سیاق نو و به نام اسلام تأسیس نمود و فرزند خویش سید محمد صادق طباطبایی را که در روحانیون طرفدار مشروطه بود به عنوان مدیر آن مدرسه انتخاب نمود. سید محمد صادق نیز بواسطه دوستی که با میرزا محمد کرمانی داشت وی را به عنوان ناظم مدرسه اسلام انتخاب کرد و سپس لقب ناظم الاسلام را نیز برای او دریافت نمود و میرزا محمد کرمانی به عنوان ناظم الاسلام اشتهار پیدا کرد.

۲-۱۰- مصحح اثر، علی اکبر سعیدی سیرجانی است وی تلاش نموده با گردآوری یادداشت‌ها و مدارک چاپ نشده میرزا محمد کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان، چاپی کامل و جامع از مجموعه یادداشت‌های کرمانی ارائه دهد و نواقص و معایب چاپ قبلی اثر را بر طرف کند و این مجموعه را در دو مجلد در کل بیش از ۱۴۰۰ صفحه به دست چاپ سپرده است.

۳- محتوای جلد نخست و ویژگیهای آن

مقدمات اثر مشتمل بر یادداشت مصحح علی اکبر سعیدی سیرجانی و سپس مقدمه سیدمحمد هاشمی کرمانی در شرح حال میرزا محمد کرمانی است که در سال ۱۳۳۲در مقدمه چاپ اول کتاب تاریخ بیداری ایرانیان نوشته شده است. مقدمه مؤلف با محتوای اصلاح کتاب و شرح حال نگارنده میرزا محمد کرمانی و عده‌ای از روشنفکران متجدد و مشروطه خواه کرمان نظیر میرزا اقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی و شیخ جعفر کرمانی، حاج آقای یحیی کرمانی و شرح قتل شیخ احمد روحی، میرزا آقا خان و خیرالملک آغاز می‌شود و سپس به واقعه رژی و جنبش تنباکو به عنوان مهم‌ترین حادثه‌ای که در بیداری ایرانیان نقش داشته پرداخته است. در واقع فتح باب بررسی انقلاب مشروطه را با جنبش رژی و قیام تنباکو دانسته و اسناد و مدارک مهمی در این مورد ارائه داده، تلگرافات و مکتوبات شهرها و مناطق مختلف، تلگرافات علامی بزرگ، شیرازی، آشتیانی،

تاریخ بیداری ایرانیان ۵۹

سید جمال‌الدین اسدآبادی، و مکاتبات آنها با نصرالدین شاه از جمله این اسناد مهم است. سپس مؤلف حوادث انقلاب مشروطه را با تشکیل انجمن‌های مخفی تا زمان صدور انقلاب مشروطه بوسیله مظفرالدین شاه را در سه کتاب شرح و ثبت و ضبط نموده است. کتاب اول: تشکیل انجمن مخفی، جلسات، در حالات محمدعلی میرزا، تحصن تجار در زاویه مقدسه، لایه انجمن مخفی، شروع انقلاب، واقعه کرمانی در سال ۱۳۲۳، عمارت بانک یا مدرسه چال.

کتاب دوم: با واقعه مجد شاه و مهاجرت صغری در سال ۱۳۲۴ آغاز می‌شود و تا نیمه سال ۱۲۴ که عمدتاً با اقدامات عین‌الدوله صدر اعظم و مظفرالدین شاه در مقابله با انقلابیون پرداخته و شرح اقدامات آنان علیه رجال و آزادیخواهان و مشروطه طلبان را با آزادی شیخ یحیی به پایان آورده است.

کتاب سوم: نقشه‌های عین‌الدوله، ماجرای کشته شدن سید عبدالحمید، اجتماع علما در مسجد جامع و مهاجرت کبری، تحصن در سفارت خانه انگلیس، مذاکره‌ی نمایندگان با صدر اعظم، صدور دستخط مشروطیت توسط شاه، جشن و بازگشت مهاجرین، تشکیل اولین مجلس در مدرسه نظامیه، بار عام مظفری و علت تأسیس و تشکیل مجلس در هیجدهم شعبان و فهرست وقایع سلطنت مظفرالدین شاه به اتمام می‌رسد.

۴- محتوای جلد دوم

جلد دوم کتاب تاریخ بیداری مشتمل بر دو کتاب، و ضائم و چندین تلگراف پراکنده است.

کتاب چهارم، بدعت استقراض و قرارداد وام از روس و انگلیس و انتقادات از این قرارداد آغاز می‌شود، صدور شبنامه‌ها، نطق‌های مجلس، مسأله تدوین نظام نامه مجلس، شرح تأسیس بانک ملی، و تلگرافات ایرانیان در این باب، ورود ولیعهد محمدعلی به تهران، نگرانی مجلس و آزادیخواهان از انکار ولیعهد، نطق‌های آزادیخواهانی نظیر تقی زاد و هراتی درباره نظام نامه مجلس، ماجرای بیماری و فوت مظفرالدین شاه و سلطنت محمدعلی شاه و نطق وی، برخورد شاه در جشن تاجگذاری با وکلا و نمایندگان مجلس و وقایع ماه ذی‌الحجه و وقایع ماه محرم و صفر و برهم خوردن اوضاع و اقدامات محمدعلی شاه در بسیج نیرو علیه مجلس و مردم، و سران مشروطه خواه و در نتیجه

۶۰ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

مسأله به توپ بستن مجلس و قلع و قمع آزادیخواهان و علل رویگردانی مردم، حوادث ماههای سال ۱۳۲۶

کتاب پنجم، با شرح وقایع محرم سال ۱۳۲۷ با اخباری از اقدامات بختیاری‌ها علیه قزاق و اعتراضات و تلگرافات علما، و مردم و خبر شهرهای تبریز، خراسان، رشت آغاز می‌شود و با ذکر حوادث و اتفاقات و کشاکش‌های مشروطه‌خواهان و مجاهدان علیه استبداد محمد علی شاه تا ورود سپاهیان مجاهدان و قشون مختلف آزادیخواهان به تهران و فرار محمدعلی شاه و اعاده مشروطیت و انتخاب احمد شاه به عنوان شاه جدید در مجلس عالی بهارستان ختم می‌شود پایان بخش این مجلد حواث و وقایع ماه رجب سال ۱۳۲۷ هـ ق با صدور دستخط احمد شاه درباره شروع انتخابات و شرح اعلان حفظ نظم شهر تهران، برگزاری مراسم سلام خلع سلاح مجاهدان، اعلان انتخابات و تشکیل انجمن قطار و موضوع دستگیری و استنطاق از شیخ فضل‌ا... نوری و با ماجرای محاکمه و داد زدن شیخ فضل‌ا... به اتمام می‌رسد، در نهایت برخی مدارک و اسناد نظام‌الاسلام در انتهای این مجلد تحت عنوان ضمائیم و ملحقات و تلگرافات پراکنده آمده است.

۵- ویژگیهای تاریخ نگاری ناظم الاسلام کرمانی

۵-۱- نظام الاسلام از حیث تاریخ نگاری نگرشی نو و متجددانه به تاریخ دارد و تاریخ نگاری سنتی را به باد انتقاد می‌گیرد.

۵-۲- او تکاپوهای روشنفکران و توده‌های مردم در جریان‌ها و حوادث معطوف به نهضت مشروطه خواهی را تاریخ بیداری ایرانیان قلمداد نموده است.

۵-۳- معتقد است که کتاب خویش را بر اساس روش تاریخ نگاران اروپایی به نگارش درآورده است و پیوسته در این اندیشه بوده تا «که بر سبک مورخین اروپا کتابی در تاریخ ایران» بنگارد.

۵-۴- تاریخ نگاری او متأثر از آثار مورخانی چون میرزا آقاخان کرمانی، ذوالملک فروغی، ادوارد برون، تاریخ آبی و برخی آثار تاریخی مورخین خارجی بود که تا زمان وی ترجمه شده است و در متن کتاب خوب به این آثار توجه داشته و از آنها بهره برده است.

۵-۵- هسته اساسی تاریخ نگاری ناظم الاسلام در بررسی تاریخ بیداری ایرانیان برای عوامل و زمینه‌های این بیداری و شناخت تکاپوهای روشنفکران، علماء روحانیون آزادیخواه، جنبش تنباکو، مدارس و مؤسسات آموزشی جدید، انجمن‌های مخفی و ...

تاریخ بیداری ایرانیان ۶۱

بوده است. ضمن بررسی موضوعات و مباحث مؤثر در بیداری ایرانیان و بروز افکار آزادیخواهانه به بیان رویدادهای تاریخ و حوادث مرتبط با این براساس تاریخ وقوع رویدادها می‌پردازد.

۵-۶- در ذکر رویدادها و حوادث سه عنصر اساسی هسته نگارش و ثبت حوادث تاریخ عصر بیداری ناظم الاسلام را تشکیل می‌دهد، نگارش براساس روز وقوع حوادث، تقسیم حوادث تاریخی براساس ماههای قمری و بررسی و بیان حوادث انقلاب مشروطیت به ترتیب سنوات. بنابراین ناظم الاسلام بعد از بیان مقدمه طولانی که در واقع واکاوی زمینه‌های انقلاب مشروطیت و از عوامل عمده و مؤثر در بیداری ایرانیان محسوب می‌شوند به بیان واقع نگاری حوادث انقلاب مشروطیت از سال ۱۳۲۲ تا رجب سال ۱۳۲۷ پرداخته است. البته گویا حوادث سالهای بعد بوسیله ناظم الاسلام نگاشته شده ولی تاکنون از آنها اثری بدست نیامده است و مطالب او با حوادث این سال بصورت ناتمام پایان می‌یابد.

۶- اهمیت، مزایا و جایگاه تاریخ نگاری ناظم الاسلام و تاریخ بیداری

۱-۶- ثبت و ضبط اخبار و آگاهی‌های دست اول از جریان حوادث انقلاب مشروطیت که مورخ به چشم خویش دیده و با گوش خود شنیده است.

۲-۶- بیان مذاکرات سیاسی و گفتگوهای رهبران سیاسی مشروطه بویژه در تهران

۳-۶- بیان آگاهی‌های درجه اول درباره سیدمحمد طباطبایی از رهبران بزرگ

۴-۶- بیان تلگرافات و مکاتبات میان شاه و درباریان با علمای طراز اول و مهاجرین در جریان مهاجرت‌های انقلاب مشروطه

۵-۶- سادگی و روانی اثر تاریخ نگاری و دوری از غلو، اغراق گویی و متعلق نویسی

۶-۶- صداقت نویسنده در نوشتن حوادث و مقرون بودن به حقیقت در بسیاری از موارد

۷-۶- مستند بودن کار نویسنده

۸-۶- ذکر نامه‌های مجتهدین و علمای بزرگ، میرزای شیرازی، آیت الله آشتیانی،

سیدجمال الدین اسدآبادی، سید محمد طباطبایی و آیت الله بهبهانی و ...

۹-۶- ارائه آگاهی‌های دست اول از میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، خیرالملک،

سید جمال و سید محمد صادق طباطبایی و سایر رجال مشروطه خواه که با آنان

آشنایی نزدیک داشته است.

۶۲ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

۱۰-۶- نگارش شرح احوال بسیاری از رجال مشروطه خواه و مستبد و علما و روشنفکران، مجاهدین و آزادیخواهان، شاهزادگان، امراء و حکام شهرهای مختلف در جریان جنبش مشروطه خواهی.

۱۱-۶- مؤلف تاریخ بیداری با بسیاری از احزاب، جریانهای سیاسی، انجمنهای مخفی و محافل و نهادهای مختلف مرتبط بوده و اخبار و یادداشتهای مهمی در اینباره ارائه کرده است.

۱۲-۶- ذکر تلگرافات متعدد که نشان دهنده اهمیت وافر آن در ایجاد ارتباط میان انقلابیون و مستبدین و تأثیر این پدیده نوین در نهضت مشروطه خواهی در خلال حوادث مهم این کتاب هویدا است و صورت بسیاری از تلگرافات عصر مشروطه را بیان نموده است.

۱۳-۶- در خلال کتاب تاریخ بیداری حدود یکصد تصویر از رجال، آزادیخواهان مشروطه طلبان، علماء، شاهزادگان و شخصیت‌های مختلف این عهد که خود تاریخی به روایت تصویر است فراهم آمده است.

۱۴-۶- تاریخ بیداری به تصریح خود نویسنده شرح حالات نویسنده و شرح احوال مردی است که میرزا محمد کرمانی یا با آنان همدل و همراه بوده و یا با آن مخالف بوده است.

۷- معایب و اشکالات تاریخ بیداری و تاریخ نگاری ناظم الاسلام

۱-۷- میرزا محمد کرمانی علی رغم انتقادات جدی که بر تاریخ نگاری سنتی و سبک و سیاق آنان دارد و به مذمت تملق، مداحه سردی می‌پردازد، در خلال بیان حوادث و نقش رجال متجدد و روشنفکر خود نیز امیر مداحه گویی به شیوه‌ای دیگر می‌شود چنانکه در ستایش میرزا آقاخان کرمانی، میرزا ملکم خان، سپهسالار و بسیاری دیگر از مشروطه طلبان خود اسیر چنین نگرشی است.

۲-۷- هر چند نگرش او به تاریخ و تاریخ نگاری متجددانه است اما تفاوت میان سنت و تجدد و مشروطیت و اسلام را بدرستی درک نکرده مشروطه و مشروطه خواهان را تقدس می‌بخشد و منادی مقدس مشروطه، قانون و آزادی است و نگاه انتقادی چندانی به این مسائل ندارد.

تاریخ بیداری ایرانیان ۶۳

۳-۷- به علاوه وی نه تنها مشروطه و مشروطه طلبان و تجدد خواهان را تقدس می‌بخشد و ستایش می‌کند بلکه بصورتی یک جانبه مخالفان نظام مشروطه و تفکر مشروطه خواهی را سربه‌سر مورد تاخت و تاز بی‌رحمانه قرار می‌دهد.

۴-۷- بخش عمده‌ای از مطالب به ویژه مجلدات نخست مدتی پس از حوادث مشروطه نوشته شده و به احتمال بسیار بخاطر گذشت ایام به اندازه آگاهی‌های که نویسنده بطور مستقیم و در حوادث بعدی ارائه نمود، ارزش تاریخی ندارند.

۵-۷- نقش انجمن‌های مخفی و جلسات آنان در کتاب تاریخ بیداری بسیار برجسته نشان داده شده بطوری آنان را از عوامل اصلی تحولات مشروطه خواهی و تجدد طلبی داشته است.

۶-۷- نگرش عمومی میرزا محمد کرمانی ضد قاجاری است و به نحوی تنفر بومی نویسنده از حادثه کرمان در عصر آقا محمدخان، کشته شدن ناصرالدین شاه بدست میرزا رضای کرمانی آشکار است.

۷-۷- ارتباط و درستی نزدیک او با سید محمد صادق طباطبایی فرزند آقا سید محمد طباطبایی و همسویی با تجدد گرایان او را به مخالفت سرسختانه با معارضان مشروطه خواهی سوق داده است.

۸-۷- بروز تمایلات بومی وی در حمایت و ستایش از نخبگان کرمانی و بیان پررنگ نقش آنان در انقلاب مشروطیت نمایان است و از سوی دیگر دارای تمایلات به شیخیه کرمان است.

۹-۷- اصولاً ناظم الاسلام اسلوب واحدی در بیان و تحلیل حوادث تاریخی در پیش نگرفته است. پراکندگی روشی و اتخاذ شیوه‌های متفاوت در بیان حوادث و فقدان پیوستگی میان حوادث تاریخی از نقاط ضعف عمده تاریخ بیداری ایرانیان است البته این امر ناشی از تحولات، گرفتاریها و حالات متفاوت روحی نویسنده در جریان تحولات انقلاب مشروطیت بوده است.

۱۰-۷- بخش عمده‌ای از اخبار و آگاهی‌های نویسنده بر شنیده‌ها استوار است و این امر باعث بروز تعارضات مختلفی در مورد حوادث و اخبار انقلاب مشروطه در کتاب ناظم الاسلام شده است.

۶۴ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

۱۱-۷- تکیه بر مسموعات باعث شده که بسیاری از شایعات غیر واقعی در نوشتار نویسنده که خود گاه به رد آنان پرداخته است شده. لذا اخبار صادق و کاذب و شایعات متداول در میان مردم آن روز به نگارش درآورده است.

۱۲-۷- مؤلف تاریخ بیداری در خیلی از موارد قادر نبوده بخاطر تحولات سریع دست به نگارش حقایق بزند و در مواردی از بیان حقایق چشم پوشی نموده و ذکر آنها را مقرون به صلاح نمی‌دانسته.

«تاریخ اسلام کمبریج»

مؤلف: پی.ام. هولت - ان.ک.س. لمبتون - برنارد لوئیس

ترجمه: تیمور قادری

ناشر: مهتاب

سال نشر: ۱۳۸۷

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲ جلد ۲۱۸۱ + ۴۹

تاریخ اسلام کمبریج کتابی است که در دو جلد با عنوان:
The Cambridge history of Islam زیر نظر سه تن از خاورشناسان برجسته:
پی.ام.هولت، ان.ک.س. لمبتون و برنارد لوئیس و بوسیله‌ی شماری از محققان و
پژوهشگران در دانشگاه کمبریج تألیف و به زبان انگلیسی منتشر شده است. این اثر در
حقیقت فراهم آمده‌ای است از مجموعه‌ای از مقالات کوتاه و بلند که در قالب بخش (در
کل هشت بخش) و فصل (۴۵ فصل) تدوین شده است. هرچند نویسندگان هر فصل در
جلد دوم بدقت و صراحت در فهرست و نه در متن مشخص شده‌اند اما صاحبان مقاله در
جلد نخست که به مباحث مربوط به ظهور اسلام و گسترش آن در سرزمینهای مرکزی
(حجاز، ایران و ترکیه) اختصاص دارد، معرفی نشده‌اند. احتمال می‌رود، این جلد نوشته
هولت و دو همکار وی: لمبتون و لوئیس باشد.
مترجم کتاب: دکتر تیمور قادری و آنگونه که از صفحه عنوان بدست می‌آید، عضو هیئت
علمی دانشگاه بوعلی سینای همدان است که هر چند در زبان انگلیسی مهارت دارد اما
بنظر نمی‌رسد در حوزه تاریخ اسلام صاحب تخصص و نظر باشد. این نکته از دو مقدمه

۶۶ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

وی بر جلد نخست هویدا است و هم این که در سرتاسر کتاب، جایی به نقد دیدگاههای نویسندگان نپرداخته بلکه نقد جلد نخست را به استادی از دانشگاه امام حسین (ع) سپرده است. دکتر نوروز اکبری زادگان این کار را در چهل و نه صفحه زیر عنوان «نقدی بر تاریخ تحولات عصر پیامبر (ص) تا امویان در تاریخ اسام کمبریج» انجام داده و پیوست جلد نخست کرده است. این نقد اگر چه مفید و تا حدودی ستودنی است لیکن چنان که باید و شاید مفید فایده نباشد. بهتر آن بود که هر مطلب را در جای خود نقد می‌کرد و در پاورقی همان صفحه و لااقل در پایان هر فصل می‌آورد تا خواننده به موقع از خطای نویسنده آگاه می‌شد. مراجعه به پیوست، آن هم بدون هر گونه آدرسی در متن، کار دشواری است که اثر مورد نظر خود را از دست می‌دهد.

* این کتاب که در راستای اهداف ویژه مراکز علمی و پژوهشی غرب تدوین و منتشر شده، تاریخ اسلام را از ابتدای ظهور با گذری به عربستان پیش از بعثت تا عصر حاضر به اختصار و صد البته به نحو گزینشی مورد توجه قرار می‌دهد. هر چند تاریخ سیاسی اسلام بر سرتاسر این اثر نسبتاً مختصر سایه انداخته لیکن مباحث و موضوعات دیگر از جمله حوزه‌های فرهنگی و تمدنی، اقتصادی در اجتماعی هم از نظر مؤلفان و محققان دور نمانده بلکه در بخش پایانی (هشتم: از صفحه ۱۵۱۹ تا ۲۱۰۴) طی هشت فصل به این موضوعات و خصوصاً نقش اسلام و مسلمانان در گسترش تمدن بشری و بویژه تأثیر تمدن و علوم اسلامی در تمدن مغرب زمین مطالبی را بیان کرده‌اند که به لحاظ روش و غرض در راستای سیاست عمومی خاورشناسان ارزیابی می‌شود.

*توالی زمانی حوادث و گذر اعصار و قرون عامل عمده در تدوین این اثر است اما مؤلفان ضمن پایبندی استوار به این معیار، مطالب کتاب را حسب مناطق جغرافیایی همچون حجاز، ایران، ترکیه، هند، شمال آفریقا و ... و نیز بر پایه سلسله‌ها و خاندانهای حکومتگر هم تنظیم کرده‌اند.

نظر به محدوده گسترده مباحث: هم به لحاظ تاریخی و زمانی، و هم به لحاظ جغرافیایی، و نیز موضوعات و مباحث پراکنده سیاسی، فرهنگی، تمدنی، اقتصادی و اجتماعی، و به تعبیری هر آنچه در حوزه تاریخی اسلام از ابتدا تاکنون جای می‌گیرد، قضاوت دقیق از عهده یک یا چند نفر ساخته نباشد. چنان که برای فراهم نمودن این اثر، شمار زیادی از پژوهشگران دست به قلم برده و هر کدام بخشی از مطالب آن را در حوزه تخصصی خود فراهم آورده‌اند.

تاریخ اسلام کمبریج ۶۷

تنظیم مطالب تا حدودی مناسب و البته دقیق است اما تدوین آن در دو جلد بر حسب هیچ قاعده‌ای استوار نباشد: نه بر پایه موضوعی است، نه بر حسب تدوین تاریخی و نه بر پایه حجم صفحات، و نه بر اساس مناطق جغرافیایی. از این رو حجم زیاد جلد دوم نسبت به جلد نخست قابل توجیه نیست. بهتر آن بود که در سه جلد هفتصد صفحه‌ای تدوین می‌شد.

*از نظر حروفچینی و فنی هم این اثر شایسته ستایش نباشد. ناشر در انتخاب حروف و فاصله سطور چنان که باید سلیقه فنی به خرج نداده بلکه حروف ضعیف و فاصله کم را انتخاب کرده است. از این رو خواننده با مشکل مواجه خواهد بود.

*نمایه کلی است و فاقد نمایه موضوعی. چنین اثری شایسته آن هست که پدید آورنده و ناشر با صرف وقت و هزینه حوصله بیشتری بخرج دهند و با استخراج یک نمایه موضوعی، خواننده را به دستیابی درست مطالب کمک کنند.

*فهرست مطالب کلی است و بر حسب بخش و فصل تنظیم شده است، بهتر بود: فهرست تفصیلی تهیه شود.

*اگر از قضاوت در صلاحیت مؤلفان درگذریم که هر کدام در حوزه تخصصی خود دست به نگارش زده و مقاله‌های مختصر اما دست کم برخوردار از شیوه تحقیق و تدوین درست فراهم نموده‌اند، لیکن مترجم - چنان که گذشت - تخصص کافی در حوزه تاریخ اسلام را ندارد. بهتر آن بود که هر مقاله را مترجم متخصص در همان حوزه ترجمه می‌کرد یا دست کم نقد و ارزیابی آن را به صاحب نظر متخصص در همان حوزه می‌سپردند. کاری که متأسفانه مورد غفلت ناشر و مترجم قرار گرفته است.

*چنان که جلد دوم که مباحث عمده و مهمی را در بر می‌گیرد و توسط شمار انبوهی از محققان نوشته شده، هیچ مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است. در حالی که به نظر می‌رسد این جلد از جهات مختلف قابل نقد است: هم تاریخ اسلام را در سرزمینهای پهناور و دوره‌های مختلف از جمله عصر استعمار در بر می‌گیرد، و هم مباحث مهم فرهنگی و تمدنی، اقتصادی و اجتماعی جهان اسلام را در طول چهارده قرن تاریخ پر فراز و نشیب آن در میان اقدام و ملل او مذاهب و فرق مختلف بررسی می‌کند.

شایسته بود هر یک از فصول و مباحث به یک نفر از متخصصان سپرده می‌شد تا بر پایه ضوابط علمی دقیق، درست و منصفانه مورد نقد و بررسی قرار گیرد و نقاط مثبت و منفی آن بدرستی نشان داده شود.

۶۸ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

به هر حال: شمول و گستردگی، اختصار، و شیوه و روش تحقیق را می‌توان از امتیازهای قابل ستایش این اثر دانست. چنان که موارد زیر قابل نقد و توضیح است:

- ۱- توجه به اهداف، اغراض و انگیزه‌های خاورشناسان و مراکز علمی و پژوهشی غرب از مطالعه و اظهار نظر در تاریخ و تعالیم دینی اسلام
 - ۲- چگونگی برخورد و قضاوت آنان در باره وحی و نبوت و تحلیل شخصیت و سیره رسول خدا (ص) در حوزه‌های مختلف
 - ۳- قضاوت غربیان در باب جانشینی رسول خدا (ص)
 - ۴- بررسی عصر استعمار و غارت ذخایر و نابودی فرهنگ و تمدن اسلامی توسط غربیان، مؤلفان در این اثر این دوره را به اختصار برگزار کرده و از توجه به آثار مخرب آن گریخته‌اند. و بلکه در مواردی خصوصاً در سرزمینهای عربی با الفاظ مثبت و مفاهیم ارزشی از آن سخن می‌گویند.
 - ۵- در فصل سوم از بخش چهارم (ج ۱ ص ۱۶۱-۸۰۱) زیر عنوان «ایران جدید» در باب رضاخان و فرزندش قضاوت‌های نادرستی دارند که به نظر می‌رسد در صدد تطهیر پهلوی و توجیه سیاستهای خائنانه آن بوده‌اند.
- *این کتاب، پیش از این توسط مرحوم احمد آرام به فارسی ترجمه و جلد نخست آن با عنوان «تاریخ اسلام» پژوهش دانشگاه کمبریج بوسیله انتشارات امیرکبیر چاپ و منتشر شده است.

«منتخب النصوص التاريخيه و الجغرافيه»

مؤلف: نورالله كسايى

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۷۷

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۳۰

این کتاب گزیده‌ای از متون تاریخی و جغرافی به زبان عربی است که مولف مرحوم جناب آقای دکتر نورالله كسايى آن را به مثابه کتاب درسی برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تالیف کرده است متن‌های کتاب که حجم هر یک از آنها از یک صفحه تا چند صفحه متغیر است، در دو بخش کلی متون کارشناسی و کارشناسی ارشد تقسیم شده است و هر یک از بخش‌ها به دو دسته متون تاریخی و متون جغرافی تقسیم می‌شود. در آغاز هر درس شرح مختصری از زندگی و آثار مؤلف، متن به زبان عربی آمده است که دانشجویان را با مؤلف متن بیشتر آشنا کند. گرچه دانشجویان این رشته در درس‌های دیگر با منابع و مآخذ تاریخی و مورخان تاریخ اسلام آشنایی پیدا کرده‌اند اما یادآوری شرح حال مورخان و مؤلفان به زبان عربی معاصر آنان را با متون عربی معاصر بیشتر آشنا می‌کند.

مؤلف محترم کوشیده است تا حجم متن‌ها متناسب با واحدهای درسی تنظیم شود به گونه‌ای که نیمی از کتاب برای دو واحد درس متون تاریخی و جغرافی به زبان عربی برای کارشناسی و نیم دیگر کتاب برای دو واحد همین درس برای دوره کارشناسی ارشد ارائه شود. در متن تنها برخی از واژگان دشوار حرکت‌گذاری شده است و شماری از

۷۰ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

کلمات دشوار در پایان متن و تحت عنوان شرح کلمات به عربی معنی شده است. فایده این روش آن است که از یک سو دانشجویان از کلاس درس و استاد بی‌نیاز نباشد و از سوی دیگر دانشجویان با حجم انبوهی از کلمات و جمله‌های سخت که موجب دل‌سردی وی شود، روبرو نمی‌شود.

متن‌های انتخاب شده به ترتیب زمانی از کهن‌ترین زمان تا عصر حاضر تنظیم شده است و ابتدا متون تاریخی و سپس متون خارجی آورده شده است. مولف در ارائه متون کوشیده است تا در لابلای نصوص تصویری از شکوه و عظمت فرهنگ اسلامی و ایرانی را به نمایش بگذارد و جوانان دانشجویان را به آثار و مفاخر فرهنگ خود علاقه‌مند سازد. بدین ترتیب متن‌هایی در موضوعات ایران باستان، ایران دوره اسلامی و مظاهر تمدن اسلامی و تاریخ صدر اسلام و سیره پیامبر اکرم (ص)، فرمانروایان و... انتخاب شده است تا دانشجویان ضمن تقویت خود در قرائت متون کهن عربی به مراجعه مستقیم به منابع دست اول تاریخ اسلام و بی‌نیازی از منابع مترجم به فارسی، ترغیب شوند.

کتاب ضمن برخورداری از محاسن فراوان، کاستی‌هایی نیز دارد که امید است در چاپ‌های بعدی برطرف شود و دانشجویان و استادان را بیشتر به کار آید. در بررسی شکلی تنها کاستی کتاب، نمایه اصطلاحات و اعلام و نیز نقشه‌های مربوط به برخی از متون جغرافیایی است. همچنین اندکی از اغلاط تایپی در کتاب راه یافته است مانند اتباعه ص ۹۴ سطر دوم که اتباعه صحیح است یا الاحضر در ص ۱۱۶ که صحیح آن الاحضر است یا ولا اکتّم الخیر در ص ۱۲۸ که صحیح آن ولا اکتّم الخیر است. پاراگراف‌بندی دقیق و صحیح نیز در مواردی رعایت نشده است که کار خواندن متن و تدریس را مشکل می‌سازد مانند ص ۸۳ در وصف مدائن که متن یکسره و بدون پاراگراف به خواننده عرضه شده است.

گاه نداشتن نشانه‌های نوشتاری با مناسب نبودن کاربرد آن فهم متن را دشوار و وقت‌گیر می‌کند مثلاً در عبارت فی کتاب البنیان الذی کوّر قزوین... ص ۹۱ نداشتن «:» میان «التیان» و «الذی» خواننده را به خطا می‌اندازد و الذی را صمت البنیان تصور می‌کند. همچنین در ص ۲۲۰ عنوان الخشاب سفرنامه ناصر خسرو عنوانی غلط انداز است و به اشتباه نام نویسنده مقاله دینی الخشاب در ابتدای عنوان آمده است. مولف محترم در موارد به ضرورت یا به هدف تلخیص عبارت‌ها، جمله‌ها و یا اشعاری را از متن اصلی حذف کرده است از این رو ضرورت داشت که با علائمی این موارد حذفی معلوم شود تا

منتخب النصوص التاريخيه و الجغرافيه ٧١

هم امانت نقل مطالب رعایت شود و هم کار متن خوانی سهل و روان شود برای نمونه در ص ۱۱۹ سه بیت شعر از سیره ابن هشام حذف شده است ولی توضیحات ابن هشام راجع به نسبام معبد که مربوط به اشعار حذف شده است در متن آمده و این همه موجب تشویش ذهن خواننده می‌شود.

در بخش شرح کلمات نیز به قدرت خطاهایی رخ داده است مثلاً بر غوث به غلط پشه ترجمه شده است ص ۸۱ یا البداهه در ص ۱۳۱ که معنی مرجع آن در متن «المفاجأه» است نه «اول کل شیء» از حیث محتوا نیز متون انتخاب شده در دو بخش کارشناسی و کارشناسی ارشد از حیث دشواری تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود و در مواردی متون دوره کارشناسی سخت‌تر از دوره ارشد است. بنابراین به نظر می‌رسد در برخی از متون کارشناسی تجدید نظر شود و متن‌های ساده‌تر جایگزین شود و برای دوره کارشناسی ارشد بیشتر متونی انتخاب شود که ترجمه فارسی آنها در دسترس نیست.

«تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران»

مؤلف: ناصر تکمیل همایون

ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری تهران

سال نشر: ۱۳۸۵

نوبت چاپ: سوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۷۲۴

معرفی کتاب و جنبه‌ی شکلی آن

این کتاب ۳ جلدی جمعاً ۷۲۴ (۲۴۰ + ۲۷۲ + ۲۱۲) صفحه دارد و ظاهراً هر یک از چاپهای آن با شمارگان ۳۳۰۰ نسخه و در قطع وزیری وارد بازار شده است. جلد اول کتاب که "از آغاز تا دارالخلافه ناصری" را در بر می‌گیرد از شش بخش تشکیل شده است: تهران از آغاز تا شهر شدن؛ تهران از شهر شدن تا پایتختی؛ تهران، پایتخت ایران در عصر قاجار؛ جغرافیای انسانی تهران؛ فرهنگ و دیانت؛ رجال و مشاهیر فرهنگی. بخشهای یکم تا پنجم ساختاری مشابه دارند و از یک "درآمد" و دو فصل تشکیل شده‌اند ولی بخش ششم، درآمد و تنها یک فصل دارد. پایان‌بخش کتاب، "انجام‌نامه" و "نمایه‌ها" در شش موضوع است. جلد دوم کتاب پنج بخش دارد که بخشهای سوم و چهارم دو فصل و دیگر بخشها سه فصل دارد و بخشهای جلد دوم افزون بر "درآمد"، "حاصل سخن" و "پی‌نویس" هم دارند. جلد دوم هم با "انجام‌نامه" و "نمایه" به پایان می‌رسد. عناوین بخشهای جلد دوم چنین است: تهران عهد ناصری، تهران از انقلاب مشروطیت تا استقرار سلطنت پهلوی، بهداشت و جمعیت تهران، اقتصاد و مشاغل و حرفه‌ها، آموزش و فرهنگ عمومی. ولی جلد سوم از روش بخش و فصل تبعیت نکرده و

۷۴ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

از هفت فصل تشکیل شده است و ذیل فصول، "درآمد" و بین دو تا ۳ عنوان فرعی و "حاصل سخن" و "پی‌نویس" آمده است. کتاب با "انجام‌نامه" و "نمایه" به پایان رسیده هر چند که عنوان نمایه در فهرست مطالب نیامده است. عناوین فصول هفت-گانه‌ی جلد سوم نیز چنین است: جغرافیا و اقلیم و شرایط جدید طبیعی - اجتماعی، تحولات شهری از کودتای سیاه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران از جنگ جهانی دوم تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کلانشهر پس از کودتا تا عصر انقلاب اسلامی، بوم‌شناسی و توسعه مسکن و رفاه عمومی، بهداشت و جمعیت و اقتصاد، نهاد آموزش و پرورش و اوضاع فرهنگی.

مؤلف محترم در مقدمه‌ی جلد اول (آغاز نامه، صص ۹-۱۵) روش مطالعه‌ی تاریخ تهران را در قالب دو روش مطالعه‌ی اسناد کتبی و مطالعه‌ی میدانی به اختصار توضیح داده است. (ص ۱۳) مؤلف در همین مقدمه هدف خود را این گونه بیان کرده است: "در این تألیف کوشش شده است تا بر پایه‌ی واقعیتها و دست‌آوردهای عینی و مشهود گام برداشته شود و این امر به گونه‌ای تحقق پذیرد که جنبه‌ی کاربرد نسب هم داشته باشد" (ص ۱۲)

کتاب با نثری روان نگاشته شده و جز در مواردی که نقل قولی صورت گرفته، قلم متن اصل رسا و امروزی و سلیس است. و از نظر رعایت قواعد ویرایش و نگارش هم نکته‌ی خاصی وجود ندارد. البته لغزشهای خرد و متداول در کتاب به چشم می‌خورد. مثلاً در باره کلمات غیرفارسی گاه معادل انگلیسی آنها نوشته شده است و گاه نه و یا در ج ۱، ص ۱۶۶ در صفحاتی که ویژه معرفی رجال تهران است نام حیاتی تهرانی مطابق نظم الفبایی درج نشده و پیش از حاجی ملامحمد قرار گرفته است. کیفیت اثر از نظر حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، طرح جلد و مانند آن را باید بسیار خوب ارزیابی کرد.

کتاب به اندازه‌ی کافی جدول و تصویر دارد و به کمک این ابزارها و نیز افزودن خلاصه‌ی فصول، خواننده را مدد رسانده تا در درک و به خاطر سپردن مطالب کتاب هم دارد با دشواری روبرو نباشد.

مباحث مربوط به تاریخ اجتماعی از شیرینی و جاذبه‌ی ویژه‌ی خود برخوردار است. با این وجود، بهره بردن خوب مؤلف محترم از انبوه کتابها، مقالات، عکسها و اسناد و نیز درج آمارهای متعدد به ویژه در جلد دوم و سوم بر جاذبه‌ی کتاب افزوده است.

بررسی محتوایی

نفس نوشتن در باره‌ی تاریخ اجتماعی به دلیل نوپدید بودن این شاخه از تاریخ‌نگاری یک امتیاز به حساب می‌آید. البته بین "تاریخ اجتماعی" و "تاریخ فرهنگی" تفاوت وجود دارد و هر چند کتاب این تفاوت را مشخص نساخته، در هدف اصلی خود یعنی ارائه‌ی تصویری از وضعیت اجتماعی و فرهنگی تهران، ناکام نمانده است. با این وجود چند نکته در کتاب به چشم می‌خورد که در صورت اصلاح بر ارزش کتاب افزوده خواهد شد: در کتاب موارد قابل توجهی اصطلاحات و تعابیر مربوط به وضعیت زندگی و صنعت در تهران قدیم به کار رفته که معادل سازی نشده است مانند کروک‌سازی در ج ۳، ص ۱۷۶، شغل لندره‌دوزی در ج ۱، ص ۱۸۴، اوسمانیزاسیون در ج ۲، ص ۷۹ و ج ۳، ص ۴۹، ماهوت‌سازی در ج ۲، ص ۷۹، کریاس در ج ۲، ص ۲۰۴. همچنین سزاوار است معادل ماههای خورشیدی مانند اسد (ج ۲، ص ۸۰)، جوزا (ج ۲، ص ۹۸) ذکر شود. در مواردی نیز تعابیر به کار رفته نیازمند توضیح است مانند طرح وبان در ج ۲، ص ۲۰ و یا در ج ۲، ص ۷۶ مؤلف محترم کلمه‌ی Fonetionnel را که در پاورقی شماره‌ی ۱ آمده و به نظر می‌رسد صورت درست آن Functional باشد وظیفه ترجمه کرده است (نوآوری وظیفه‌ای، سطر ۱۲) که شاید "نقش‌های نو" بهتر باشد. این موارد از باب نمونه است و اگر متن به دقت کاویده شود با موارد مشابه دیگری روبرو خواهیم شد. از زاویه‌ی دیگر، کتاب با وجود نظم منطقی و انسجام مطلوب گاه دچار تکرار شده است و به عنوان مثال در ص ۴۶ و ۴۷ و ۱۴۶ در جلد اول و ص ۱۵ در جلد دوم مطالب تکراری وجود دارد و نیز عکسهای ص ۵۹ و ۱۸۵ و ۲۱۴ در جلد سوم تکراری است. کتاب از نظر ارجاعات نیز در نگاهی کلی وضع خوبی دارد با این وجود برای شرح حال نام‌آوران تهران در ج ۱، صص ۱۶۳ - ۱۸۶ به صورت مورد ارجاع داده نشده است و از هفت منبع (ص ۱۸۶) استفاده شده است. پاره‌ای لغزشهای زبانی (مانند ج ۲، ص ۱۲۷، سطر ۴) هم باید در چاپهای بعد اصلاح شود. مؤلف محترم گاه مکان کنونی مناطق و بناهای تاریخی را معلوم ساخته است مانند باغ مهدیقلی خان هدایت که جای کنونی آن را در بوستان پنجم خیابان پاسداران دانسته (ج ۱، ص ۱۳۶) و گاه چنین نکرده است مانند کاخ ابیض (ج ۳، ص ۲۰۷). این نکته نیز قابل توجه است که گاه مؤلف یک کلمه را به دو صورت نوشته است مثلاً باسمه خانه در ج ۱، ص ۳۶ با بسمه‌خانه در ج ۲، ص ۱۹۷ و یا پاتوق (ج ۲، ص ۶۰) و پاتوق (ج ۲، ص ۶۲) و که طبعا وحدت رویه در اینگونه موارد

۷۶ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

بر ارزش کتاب خواهد افزود. مواردی دیگر هم از این دست در کتاب وجود دارد که فهرستی از آنها را در پرونده‌ی مربوط به این کتاب در شورای بررسی متون می‌توان یافت.

نگاهی کلی به کتاب

در نگاهی کلی، این کتاب می‌تواند در درس "تاریخ اجتماعی ایران" در رشته‌ی تاریخ ایران در دوره‌ی اسلامی، "تاریخ اجتماعی شیعه" در رشته‌ی تاریخ تشیع و نیز درس "مناسبات اجتماعی شیعیان" در رشته‌ی تاریخ اهل بیت علیهم السلام سطح سه حوزه‌ی علمیه مورد استفاده قرار گیرد و چون یک کتاب درسی نیست، حجم زیاد آن هم مشکل‌آفرین نخواهد بود.

«پیام آور رحمت»

مؤلف: سید علی میر شریفی

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۵

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۵۴

معرفی کتاب و جنبه‌ی شکلی آن

این کتاب در باره‌ی زندگی پیامبر اعظم و به عنوان نخستین منبع در حوزه‌ی دروس عمومی در ۲۵۴ + ده صفحه و با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در قطع وزیری به چاپ رسیده است. کتاب به شیوه‌ی مرسوم آثار چاپ شده از سوی سمت، با صفحه‌ی عنوان و صفحه‌ای مزین به تصویر و جمله‌ای از حضرت امام آغاز می‌شود و پس از صفحه‌ای با عنوان "پیام پژوهش" و صفحه‌ی تقدیم، فهرست تفصیلی مطالب آورده شده است. در بخش "پیام پژوهش" این منبع این گونه معرفی شده است:

"این کتاب حاصل بخشی از پژوهشی مبنایی و تحقیقی است که می‌تواند علاوه بر استفاده به عنوان منبع درس تاریخ اسلام دانشگاهها، برای فعالیتهای پژوهشی و درسی دانشجویان رشته‌های مرتبط مفید واقع شده و آگاهیهای نابی در مورد دوره‌ی ارزشمندی از تاریخ اسلام افاده نماید."

پس از پیشگفتاری در سه صفحه و مقدمه‌ای آن هم در سه صفحه با عنوان "آشنایی اجمالی با جزیره‌العرب"، فصول سه‌گانه‌ی کتاب به صورت زیر آورده شده است: فصل اول: دوران قبل از بعثت در ۱۶ صفحه (۷-۲۲)، فصل دوم: دوران بعد از بعثت در ۴۶

۷۸ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

صفحه (۶۸-۲۳) و فصل سوم: دوران پس از هجرت در ۱۷۴ صفحه (۶۹-۲۴۲). افزون بر نامتوازن بودن حجم فصلها، عنوان "دوران بعد از بعثت" هم از دقت کافی برخوردار نیست، زیرا این تعبیر به صورت کنونی، شامل دوران پس از هجرت تا رحلت پیامبر هم می‌شود و حال آن که به قرینه‌ی فصل سوم مراد مؤلف محترم تنها دوران بعد از بعثت تا آغاز هجرت به مدینه است. ۱۴۲ منبع مورد استفاده در نگارش کتاب، به همراه کلمات اختصاری آنها در ۱۲ صفحه (۲۴۳-۲۵۴) آورده شده است. کتاب فاقد پاورقی و نمایه است و کلیه‌ی ارجاعات در داخل متن و بدون پرنانز آورده شده است.

این اثر در نگاهی کلی دارای نثری روان و رساست و مطابق شیوه‌نامه‌ی سمت ویرایش شده است و از جنبه‌ی حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد هم تابع شیوه‌نامه سمت است که همواره چشم‌آزار بودن صفحه‌های ۲۸ سطری را بر هر روشی دیگر که شائبه‌ی اسراف داشته باشد، ترجیح می‌دهد. کتاب فاقد نقشه است و جز فهرست مطالب و فهرست منابع و طرح موضوع اصلی کتاب در پیشگفتار، تقریباً از هیچ ابزار کمکی دیگر برای ارائه‌ی بهتر بحث استفاده نشده است.

بررسی محتوایی کتاب

از جنبه‌ی محتوایی باید گفت که با توجه به احاطه‌ی مؤلف محترم بر موضوع کتاب یعنی زندگی پیامبر اصطلاحات تخصصی مربوط به تاریخ و نیز سیره درست و به جا به کار رفته است. البته مؤلف محترم اغلب اصطلاحات را که به زبان عربی است مانند سریه به همان صورت به کار برده است و آنها را ترجمه نکرده است ولی گاه نیز معادل فارسی آنها را به کار برده است، مانند پیمان جوانمردان به جای حلف الفضول (ص ۱۳) جنگ به جای غزوه (به عنوان نمونه در ص ۸۱ و ص ۹۵ و ۱۱۴ و جز آن) و پیمان برادری به جای مواخات (ص ۷۵). وحدت رویه در این زمینه می‌توانست بر ارزش کتاب بیافزاید.

کتاب به همه‌ی محورهای مرتبط با زندگی پیامبر پرداخته است و به آنها پوشش داده است و جز موضوع جهان (غیر از شبه جزیره‌ی عربستان) در عصر بعثت که معمولاً در این گونه آثار به آن توجه می‌شود چیزی را فروگذار نکرده است. از نظر گسترهی منابع نیز عمده منابع کتاب مربوط به منابع کهن است و تنها در موارد معدود و محدودی

پیام‌آور رحمت ۷۹

مؤلف از منابع پژوهشی معاصر مانند الغدیر علامه امینی، سیره المصطفی هاشم معروف حسنی و دولة الرسول فی المدینه صالح احمدعلی بهره برده است. در باب منابع، مؤلف خود بر این باور است که افزون بر منابع سیره و تاریخ اسلام "از صدها کتاب گوناگون از جمله تفسیر، حدیث، رجال، فضایل، ادبیات و غیر آن استفاده گردید. تألیفات ارزشمند معاصران نیز از نظر دور نبود" (ص ۲) ولی با توجه به این که فهرست منابع تنها ۱۴۲ منبع را نشان می‌دهد شاید تعبیر "صدها کتاب"، نوعی گزافه باشد. منقح بودن کتاب و خالی بودن از حشو و زوائد، تنوع و کثرت منابع اصلی و دست اول، ترجمه‌ی اشعار و متون عربی و اعراب‌گذاری اعلام عربی را باید از ویژگی‌های مثبت کتاب شمرد. مؤلف خود گفته است که "از استحسان و حدسیات بی‌پایه و اساس خودداری کرده است" و "در روش ترجمه و انتخاب الفاظ و اصطلاحات هم اهتمام بر این بود که حال و هوای روزگار صدر اسلام ترسیم گردد" (ص ۲) کتاب گواه پایبندی مؤلف محترم به این مبنا بوده است.

نگاهی کلی به کتاب

هر چند مؤلف محترم گفته است که: "بیشتر عنایت اینجانب بر این بود که ناگفته‌ها و کم‌گفته‌ها و مشکلات و معضلات سیره را در حد وسع و توان خود بیان کنم" ولی عملاً کتاب نگارشی نو از مطالب متعارف در باره‌ی پیامبر است و نگرشی نو در آن یافت نمی‌شود. در مجموع کتاب هیچ نوآوری در مقایسه با کتابهایی که در دو دهه‌ی اخیر در باره‌ی پیامبر نوشته شده است ندارد و تحقیق میدانی مؤلف محترم در باره‌ی جنگ موته هم نتیجه‌ی جدیدی به همراه نداشته است.

چندین نکته‌ی ویرایشی و نگارشی و محتوایی وجود دارد که در پرونده‌ی این کتاب در شورای بررسی متون محفوظ است و چون ظاهراً به صورت رسمی برای سمت ارسال شده است، امید می‌رود که در چاپهای بعد مورد استفاده قرار گیرد.

«تشیع»

مؤلف: هاینس هالم

ترجمه: محمدتقی اکبری

ناشر: ادیان

سال نشر: ۱۳۸۵

نوبت چاپ: اول

محل نشر: قم

تعداد صفحات: ۳۹۶

کتاب تشیع اثر هاینس هالم از ورود آثار مستشرقان غربی در باب تشیع است که با دیدگاهی عمومی درباره تاریخ تشیع و با نگرشی بیطرفانه به منظور شناخت هویت تاریخی شیعه به عنوان یک مکتب پویای سیاسی در اسلام نگاشته شده است. مؤلف معتقد است که این مکتب با داشتن پویای خاص سیاسی در عرصه مسائل اجتماعی، اقتصادی ملل مسلمان جذابیت ویژه‌ای برای حل کشمکش‌های اجتماعی ارائه می‌کند. برداشت مؤلف از تشیع و گستره تحقیق او تشیع به مفهوم عام آن بوده است. بنابراین ضمن بررسی علل و عوامل و خاستگاه اندیشه شیعی در اسلام به بررسی سیر روندها، جریانها و گرایشها و نگرش‌های مختلف فرق شیعه پرداخته است و جریانهای مختلف و فرقی را که در فرآیند تحولات تاریخی به حمایت از علما و یا یکی از رهبران و شیوخ شیعه پرداخته‌اند یاد نموده است، علل شکل‌گیری جنبش‌ها و جریانها و فرق شیعه را در اشکال مختلف آن اعم از فرق عالی، تشیع سیاسی و تشیع امامی و اثنی عشری، تشیع اسماعیلی و زیدیرا به عنوان مهمترین جریانهای فکری شیعه مورد توجه قرار داده است و به تحلیل و بیان آراء یا عقاید و افکار آنان نشسته است.

۸۲ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

ساختار کتاب تشیع هالم در پنج قسمت طراحی گردیده است:

بخش اول: در بخش اول مولف به بررسی وجه تسمیه، تعریف تشیع و پیشینه ادبیات و تحقیقات شیعه‌شناسی پرداخته است. بررسی جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر، خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) کناره‌گیری امام حسن، شهادت امام حسین، ظهور تشیع چهار امامی (کیسانی)، قیام زید بن علی و پیدایش زیدیه و ظهور هاشمیه و جنبش عبدالله بن معاویه و انقلاب عباسیان از مباحث این بخش است که آن را تحت عنوان منشاء تشیع مورد بحث و بررسی قرار داده است.

بخش دوم: از کتاب تشیع هالم به اقدامات امام جعفر صادق (ع) و چگونگی آغاز و پیدایش اندیشه‌ی تشیع امامیه یاد می‌کند و سپس به بررسی حیات امام هفتم تشیع موسی کاظم و ظهور واقفیه پرداخته و سپس ائمه امامیه را که تحت نظارت و حفاظت عباسیان بوده‌اند را بررسی نموده، مسأله غیبت، ادبیات آغازین امامیه، شکل‌گیری و تکامل مذهب دوازده امامی شیعه در پناه آل بویه، ظهور مکتب بغداد و اصول فقه، سلطنت سلجوقیان و واکنش سنیان، تشیع در دوره مغول، ظهور مکتب حله، نهضت‌های مهدوی و موعودگرا و جریان‌های افراطی، مکتب عرفانی اصفهان و ظهور دولت صفویه، پیروزی مکتب اصولی و تشیع در عهد قاجار و نقش علما و روحانیت شیعه در عهد قاجار و پهلوی، ظهور انقلاب اسلامی و تاسیس حکومت جمهوری اسلامی ایران به عنوان انقلابی برآمده از اندیشه‌ی تشیع و وضعیت تشیع در لبنان و در کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، هند و پاکستان از جمله این مطالب است. پایان بخش مباحث این بخش ویژگی‌های عبادی و شرعی شیعه دوازده امامی است.

بخش سوم: از کتاب تشیع به بررسی ظهور اندیشه‌های غالی و چگونگی ظهور و بروز این گونه اندیشه‌ها پرداخته است، ابتدا جریان غلو کوفی را بررسی نموده و سپس جریان‌های غلاه اهل حق و نصیرییه را مورد توجه قرار داده است.

بخش چهارم: در کتاب هالم به تشیع هفت امامی و اسماعیلیه اختصاص دارد، تعریف اسماعیلیه از دیدگاه درونی و از نگاه دیگران، مسأله انتساب امامان اسماعیلی به اسماعیل بن جعفر صادق (ع) و دعوه محق اسماعیلیه، انشعابات اسماعیلیه و ظهور قرمطیان و فاطمیان و تأسیس سلسله خلافت فاطمی در مصر، حلول اندیشه‌های نو افلاطونی و پذیرش آیین نو افلاطونی در میان شیعیان اسماعیلی ظهور جریان دروزیان،

تشیع ۸۳

طیبیان و مستعلویه و بره‌ها و بررسی وضعیت این جریان‌ها تا به امروز در مباحث این بخش است.

بخش پنجم: بخش پایانی کتاب به تشیع زیدی و زیدیه اختصاص داده شده بطور اختصار به ظهور این فرقه پرداخته و برخی از اندیشه‌های جریان زیدیه را بررسی نموده است.

نقاط قوت و ضعف کتاب

- ۱- اثر مذکور یک اثر عام درباره مکتب شیعه و جریانهای سیاسی و فکری تشیع است لذا مولف نتوانسته آنچنان که باید و شاید تبیین جامع و کاملی از تاریخ و تفکر جریان‌های شیعی تشیع بویژه تشیع اثنی عشری ارائه نماید.
- ۲- با وجود کلی‌نگری مؤلف اثر دارای متنی تحلیلی است و در بررسی متون و منابع از تحلیل و تبیین بهره برده و تلاش نموده که برای کسانی که مشتاق آشنای مقدماتی با کلیت تفکر شیعه و جریان‌ها و طیف‌های مختلف و فعال آن است اثری قابل اتکا ارائه نماید.
- ۳- تحت شعاع نگرش کلی مولف بسیاری از زوایا و ابعاد باطنی، درونی، معنوی تشیع در اثر مذکور مغفول مانده آن چنانکه شایسته است مورد بحث قرار نگرفته است.
- ۴- اصول اعتقادی تشیع بویژه تشیع امامی در قیاس با سایر جریان به خوبی مورد بررسی قرار نگرفته است.
- ۵- ویژگی‌های علمی تشیع، نقش تشیع در شکوفایی علم و تمدن در اسلام، جنبه‌های عقلانی و انتقادی تشیع و سهم تفکر شیعی در اسلام و تمدن اسلامی مورد دقت نظر و بررسی کامل قرار نگرفته است.
- ۶- با وجود اینکه هاینس هالم از متخصصان اهل فن در شناخت جریانهای غنوصیه و جماعت‌های غالی مسلک است، مبحث سوم او در باب فرق و جریانهای غالی بطور اجمالی و بصورتی سطحی مورد بررسی قرار گرفته است و در میان جریانها و طیف مختلف غلو، تنها سرچشمه غلو کوفی و سپس نصیریان و اهل حق را بررسی نموده و البته نکته نظرات او در این فصل عمدتاً بر منابع و تحقیقات جدید نظیر آثار مینورسکی، استرتمان و... استوار است.

۸۴ نقدنامه تاریخ، باستانشناسی و هنر

۷- از نظر رعایت حق تقدم و ترتيب تاريخى در بيان مطالب و تقسيم بندى مباحث در بخش‌هاى پنج‌گانه اشکالاتى اساسى وجود دارد، تقدم تاريخ اسماعيليه بر زیديه، و عدم رعایت تقدم و ترتيب تاريخى در میان فرق غالى هم در ساختار فصول و بخش‌هاى تحقيق کتاب و هم در ذکر و بيان مطالب از جمله اشکالات شکلى در تنظيم مطالب تاريخى است.

۸- به لحاظ موضوعى نیز آنچه‌ان ترتيب خاصى که نشان دهنده اهميت موضوع يا رعایت تقدم و تأخر موضوعى باشد مراعات نشده است. به نظر مى‌رسد که فصول پنج‌گانه اثر مقالات جداگانه‌اى بوده‌اند که بعداً مؤلف آن را به شکل یک اثر مستقل درآورده است، لذا پيوستارى ساختارى بين بخش‌ها يا فصول پنج‌گانه اثر ديده نمى‌شود.

۹- در مبحث زیديه عمده‌ى مطالب مؤلف به سنت فقهى واجتهادى زیديه مرتبط است روند تحولات و جنبش‌هاى تاريخى و اجتماعى زیديه تا حدود زيادى مغفول مانده است. يا عمدتاً به صورت بسيار مختصرى برگزار شده است.

۱۰- برخى استنباط‌ها و برداشت‌هاى مؤلف براساس صحيح و استوارى بنا شده است، مثلاً در باب سرچشمه تفکر عزادارى امام حسين (ع) با نگرشى تاريخى به سرچشمه‌هاى عزادارى در روز عاشورا و محرم و مراسم تعزیه به ریشه‌هاى ما قبل اسلامى اين سنت‌ها اشاره مى‌کند و به مراسم پرستش تموز (ادونيس رب النوع مقتول بهار، يا سوگ سیاوش در ايران) اشاره مى‌کند. چنین استنباط‌هاى، سطحى ناشى از عدم شناخت کافى و دقيق مؤلف از روند شکل‌گيرى و سرچشمه‌هاى تاريخى عزادارى و تعزیه امام حسين (ع) و جنبه‌هاى معنايى و سمبلیک و انقلابى آن است.

۱۱- در بحث آغازين يعنى منشاء تشيع آگاهيهاى مؤلف عمدتاً بر منابع و تحقيقات جديد استوار است و ضعف مآخذ اين فصول کاملاً هویدا مى‌باشد. اتکا به آثار و منابع فرقه شناسى جديد نظير آثار ضد شيعى لامنس، يا کتاب تاريخ کمبريج و منابع و تحقيقاتى همچون آثار مونت گومرى وات، ام. شعبان و پترسن و جوليوس و مهاوزن نشان دهنده عدم اتکا و ابتناى برداشت‌هاى مؤلف در بر منابع اصیل شيعى و منابع و متون تحقيقاتى معتبر در تاريخ اسلام است.

تشیع ۸۵

۱۲- مباحثی نظیر جریانهای فکری و کلامی تشیع، سیمای تشیع در گستره جغرافیای سیاسی قلمروهای اسلامی، مشاهد و مقابرتبرکه تشیع، اندیشه سیاسی شیعه، سهم تشیع در دانش، تمدن و علوم اسلامی از وجوه مغفول اثر هاینس هالم می باشد.

گزارش هم‌اندیشی

استادان تاریخ، تاریخ و تمدن ملل اسلامی،

باستان‌شناسی و هنر

اردیبهشت ۱۳۹۰

گزارش هم‌اندیشی استادان تاریخ، تاریخ تمدن و باستان‌شناسی

مقدمه

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در تدارک برگزاری دومین کنگره ملی علوم انسانی است. از این رو به منظور آمادگی هرچه بیشتر گروه تاریخ و باستان‌شناسی و آگاهی از دیدگاه‌های استادان و صاحب‌نظران این حوزه و هماهنگی هرچه بهتر و شرکت فعال در برگزاری کنگره مذکور، بنا به دعوت قبلی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، نشستی برگزار کرد. شرکت‌کنندگان، پس از حضور در جلسه عمومی در چهار کمیته تخصصی (تاریخ ایران - تاریخ اسلام - تاریخ تمدن و باستان‌شناسی) شرکت و به تبادل نظر در مورد محورهای مورد بحث پرداختند و در پایان پیشنهادهای خود را بدین شرح اعلام داشتند:

پیشنهادهای کمیته‌ی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

پیش فرض‌های اساسی پیشنهادها عبارتند از:

- تمدن اسلامی پشتوانه وحیانی و اسلامی دارد و حقیقتی غیر قابل انکار است.
- تمدن اسلامی ارزش بازخوانی (تجدید میراث) و احیای آموزه‌ها و دستاوردهای آن را دارد.
- می‌توان الگوهای متعددی در حوزه علوم انسانی از تاریخ تمدن اسلامی استخراج کرد.
- استخراج این الگوها در طراحی الگوهای امروزی مانند الگوی پیشرفت کمک شایانی خواهد داشت از این رو یکی از منابع مهم تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ تجربه تاریخی تمدن اسلامی است.
- درباره محور ۱: لازم است به تاریخ تمدن اسلامی به مثابه یک دانش معرفت‌زا در حوزه بحث‌های نظری در کنار دانش جامعه‌شناسی، مدیریت ... توجه شود و در سیاست‌گذاری کلان کشور نقش بازی کند.

گزارش هم‌اندیشی استادان تاریخ ۸۹

در حوزه کاربردی پیشنهاد می‌شود تاریخ دانان به مثابه مشاور و ... در بخشهای اجرایی کشور و سازمانها مدیریت شهری حضور فعال داشته باشند تا در زندگی اجتماعی نمادهای تاریخی اسلام و ایران جلوه بیشتر و نمایانی پیدا کند.

محور ۲: در باب روش‌شناسی تاکید اعضای کمیته بر روشهای تلفیقی و ترکیبی در پژوهشهای تاریخ تمدن اسلامی بود و استفاده بهینه از تجارب روش علوم انسانی متناسب با ارزشها و محیط فرهنگی تمدن اسلامی.

محور ۳: برای رسیدن به الگوهای کلان در علوم انسانی لازم است استخراج الگوهای جزئی‌تر را هدف قرار دهند. مانند الگوهای تعامل عالمان با حکومت، عالمان با عامه مردم، الگوی تعامل استادان و دانشجویان، الگوهایی کاربری علوم انسانی و علوم دینی مانند قضاوت و ...

محور ۴: تاکید بر دائمی بودن روند ارزیابی و آسیب شناسی برنامه‌ها — مشارکت حداکثری استادان و شخصیت‌های علمی در این روند — با توجه به اهمیت رشته تاریخ و تمدن اسلامی شایسته است به توسعه کمی و کیفی آن عنایت ویژه‌ای مبذول شود.

* درباره علوم انسانی و رسانه‌های جمعی

— تاکید بر راه اندازی شبکه تلویزیونی تاریخ چنانکه در برخی از کشورها چنین شبکه‌هایی وجود دارد.

— تأسیس یا تقویت شورای عالی تاریخ برای سیاست گذاری و جهت دهی به برنامه‌های تاریخی با مشارکت استادان تاریخ.

پیشنهادهای کمیته باستان شناسی و هنر

در ابتدا لازم می‌دانیم مراتب سپاس و تشکر خود را از بانیان برگزاری پیش همایش دومین کنگره‌ی ملی علوم انسانی گروه تاریخ، باستان شناسی و هنر خصوصاً مسئولین محترم پژوهشگاه جناب آقای دکتر آیت اللهی و معاون محترم ایشان آقای دکتر یوسفی فر ابراز نماییم.

استاد محترم جناب آقای دکتر آئینه‌وند رئیس محترم گروه تاریخ باستان شناسی و هنر به عزیزان و سروران حاضر در جلسه می‌رساند که: استادان و صاحب‌نظران حاضر در کمیته باستان شناسی و هنر پس از بحث و تبادل نظر در چارچوب موضوعات و محورهای اصلی این هم‌اندیشی موارد زیر را با هدف زمینه‌سازی و ایجاد فرصت برای ارتقاء، تقویت و توسعه علوم انسانی در حوزه‌های تاریخ، باستان شناسی و هنر ارائه می‌نمایند:

۱- مسأله تقویت هویت اسلامی - ایرانی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است که در اسناد فرادستی نظام مکرراً به آن اشاره شده و استراتژی‌های مشخصی به منظور تحقق آن در برنامه‌ی پنجم توسعه طراحی شده است. پیشنهاد می‌شود علوم انسانی به ویژه تاریخ، باستان شناسی و هنر در این حوزه‌ها به سوی تقویت مبانی هویت اسلامی - ایرانی گام‌های محکمتری بردارد.

۲- بسیاری از نظریات علمی در حوزه‌ی علوم انسانی محصول اندیشه و فرهنگ غرب بوده و این نظریات با ساختار فرهنگی، اندیشه‌ای و نیازهای اجتماعی کشور در تطابق کامل نیست. به منظور افزایش بهره‌گیری از این نظریات و علوم جدید پیشنهاد می‌شود نسبت به بومی‌سازی این علوم با در نظر گرفتن ساختارهای فکری و فرهنگی، و اولویت‌ها و نیازهای اجتماعی اهتمام و تلاش مضاعفی توسط نهادی سیاستگذار و علمی بکار گرفته شود.

۳- پژوهش‌های دانشگاهی و حرفه‌ای در حوزه‌ی علوم انسانی و به ویژه باستان شناسی و هنر علی‌رغم دستیابی به موضوعات بکر عمدتاً از فقر شناخت روش‌های پژوهشی همواره آسیب‌جی دیده‌اند. این کمیته ضرورت شناخت

گزارش هم‌اندیشی استادان تاریخ ۹۱

روش‌شناسی پژوهش را از سطوح ابتدایی آموزش در مدارس پیشنهاد می‌نماید. همچنین ضرورت دارد بر روش‌شناسی پژوهش در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی توجه و تأکید بیشتری را لازم دارد.

۴- با توجه به گرایش‌های نوین در حوزه‌های باستان‌شناسی و هنر و همچنین با عنایت به ارزشمندی جایگاه هنری سنتی و کاربردی ایران که متأسفانه در حال فراموشی هستند ضرورت دارد دانشکده‌هایی با موضوعات مورد نیاز براساس اولویت‌های فرهنگی و علمی کشور راه‌اندازی شود.

۵- ارزشمندی دانش و علم به تبدیل ایده به پدیده است. علوم انسانی در دهه‌های اخیر به دلایل متعدد به پدیده‌های اجتماعی راه‌نیافته است. در این راستا ضروری است علوم انسانی خصوصاً در حوزه‌های تاریخ، باستان‌شناسی و هنر با فرآیند توسعه کشور هم‌ساز گردید.

۶- توسعه علوم میان رشته‌ای به ویژه در حوزه‌های باستان‌شناسی و هنر از ضرورت‌هایی است که باید همواره مورد توجه و تأکید قرار گیرد.

۷- ضرورت اصلاح زیرساخت‌های آموزشی از سطح مدارس و بازنگری در برنامه ریزی دروس علوم انسانی در کشور واقعیتی انکارناپذیر است. با توجه به نیازهای روز افزون کشور در حوزه فرهنگ و هنر این ضرورت اهمیت دوچندان می‌یابد.

۸- بازشناسی الگوهای علوم انسانی در گستره تمدن اسلامی نیاز به نیروهای کارآمد و محققان توانا دارد تا بتوانند در بازشناسی و معرفی الگوهای علوم انسانی و گستره تمدن اسلامی اقدامات عملی و علمی مناسبی انجام دهند این کار عظیم محقق نخواهد شد مگر اینکه زیرساخت‌های نرم افزاری و سخت افزاری آن فراهم آید (مانند کارگاهها، آزمایشگاهها، کتابخانهها، امکانات اینترنتی و مجازی و شبکه‌ها و پایگاهها علمی، مراکز تخصصی پژوهشی، و همینطور توجه علمی ویژه در مقاطع مختلف از کارشناسی به دکترا).

پیشنهادهای کمیته تاریخ اسلام و ایران

۱- گروه تاریخ اسلام ضمن تشکر از زحمات اساتید فاضل و برگزار کنندگان پیش همایش و تأکید بر حضور مؤثر در این گونه برنامه‌ها که به هویت و اساس رشته‌ای علم تاریخ بر می‌گردد. این سوال جدی را مطرح نموده است که چرا با گذشت پنج سال دیدگاههای تخصصی جامعه اهل تاریخ را در سیاستگذاریهای ساختاری و آموزشی و پژوهشی محقق نشده است. و لذا مفاد تصمیمات پیشین کارگروه تاریخ اسلام را مجدداً مورد تأکید قرار داد و بر موارد زیر به عنوان مصوبات همین جلسه نیز تأکید می‌کند و از مسئولین وزارت علوم، برنامه ریزان نظام آموزشی کشور انتظار دارد که قبل از آنکه آسیب‌های این کم توجهی به بحران تبدیل شود به دیده متخصصان و دغدغه‌های اهل تاریخ توجه شود.

۱- تأکید بر هویت بخشی تاریخ و تمدن اسلام و ایران

۲- توجه به جلسه‌های کاربردی تاریخ اسلام

۳- ایجاد بوستان تمدن اسلامی

۴- تشویق نگرش بین رشته‌ای در حوزه مطالعات تاریخ اسلام

۵- تشویق و تقویت فعالیت‌های گروهی و تحقیقات و تالیفات گروهی

۶- راه اندازی مجلات علمی در مناطق مختلف، حمایت جدی از آنان جهت سطح

ارتقاء علمی - پژوهشی

۷- تدوین کتاب روش شناسی تحقیق در تاریخ

۸- نشست سالانه مدیران گروه‌های تاریخ (تمدن اسلامی) و هنر و باستانشناسی

۹- جلوگیری از تدریس و حضور غیر متخصصان در حوزه آموزش تاریخ در

مدارس و دانشگاهها

۱۰- جلب همکاری صدا و سیما به صورت علمی برای توسعه آموزش و پژوهش

علمی تاریخ

۱۱- تقویت کتابخانه و مجلات تخصصی در گروهها

۱۲- آغاز راهکارهایی برای مشاوران تاریخی در حوزه سیاستگذاری در سطح کشور

۱۳- توجه به آثار تاریخی و جلوگیری از تخریب

فهرست داوران به ترتیب حروف الفبا:

الف: اسامی داوران

دانشگاه تربیت مدرس	آقای دکتر صادق آئینه‌وند
دانشگاه باقر العلوم	آقای دکتر محسن الویری
دانشگاه تهران	آقای دکتر احمد بادکوبه
دانشگاه رازی کرمانشاه	آقای دکتر روح الله بهرامی
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	آقای دکتر حجت الله جودکی
دانشگاه یزد	آقای دکتر محمدرضا رحمتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز	آقای دکتر محمد سپهری
دانشگاه پیام‌نور	آقای دکتر الیاس صفاران
دانشگاه الزهراء	آقای دکتر علیمحمد ولوی
دانشگاه الزهراء	آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری
دانشگاه اصفهان	آقای دکتر مرتضی نورایی
دانشگاه فردوسی مشهد	آقای دکتر جواد هروی

نمایه کتب و مؤلفین:

- "فلسفه تاریخ"، مایکل استنفورد، ترجمه احمد گل محمدی، نشر: نی، تهران، ۱۳۸۹، ۴۶۴ صفحه
- "امامت و سیاست (تاریخ خلفا)"، ابن قتیبہ دینوری، ترجمه سید ناصر طباطبایی، ققنوس، تهران، ۱۳۸۸، ۴۱۲ صفحه
- "جغرافیای تاریخی کوفه"، لویی ماسینیون، ترجمه عبد الرحیم قنوت، سمت، تهران، چ اول، ۱۳۸۸، ۱۲۶ صفحه، تهران ۱۳۸۰
- "تجدد بومی و باز اندیشی تاریخ"، دکتر محمد توکلی طرقی، نشر تاریخ ایران
- "تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار"، نویسنده: دکتر محمدباقر وثوقی، ناشر: سمت، تعداد صفحات: ۵۹۱، تهران ۱۳۸۴
- "تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری"، نویسنده: آدام متر، مترجم: دکتر علی رضا ذکاوتی قراگوزلو، ناشر: امیر کبیر، تعداد صفحه: ۶۲۰، سال انتشار ۱۳۸۸
- "نخستین مسلمانان در اروپا"، نویسنده: برنارد لوئیس، مترجم: دکتر محمد قائد ناشر: نشر مرکز، تعداد صفحات ۴۷۴، سال انتشار: ۱۳۷۴
- "کتاب تاریخ بیداری ایرانیان"، نویسنده: نظام الاسلام کرمانی، ناشر: کتاب آگاه با همکاری انتشارات لوح، تعداد صفحات: ۱۴۰۰
- "تاریخ اسلام کمبریج"، نویسنده: پی.ام. هولت - ان.ک.س. لمبتون - برنارد لوئیس ترجمه: تیمور قادری، ناشر: مهتاب، تعداد صفحات: ۲ جلد ۲۱۸۱+۴۹، سال انتشار: ۱۳۸۷
- "منتخب النصوص التاریخیه و الجغرافیه"، نویسنده: نورالله کسای، ناشر: سمت، تعداد صفحات: ۲۳۰
- "تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران"، نویسنده: ناصر تکمیل همایون، ناشر: دفتر پژوهش های فرهنگی شهرداری تهران، سال انتشار: ۳: ۱۳۸۵؛ ۲: ۲: ۱۳۸۱؛ ۳: ۱۳۷۹، ۱، ۳
- "پیام آور رحمت"، نویسنده: سید علی میر شریفی، ناشر: سمت، تعداد صفحات: ۲۵۴، سال انتشار: ۱۳۸۵ش
- "تشیع"، نویسنده: هاینس هالم، ترجمه: محمدتقی اکبری، ناشر: ادیان، سال انتشار: ۱۳۸۵